

مقاله پژوهشی

فرا تحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران

الهام عرب‌پور^{۱*}

شراره مهدی‌زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۴

چکیده

نظم، همبستگی و انسجام اجتماعی از مباحث مهم و پایه‌ای در جامعه و جامعه‌شناسی است. زندگی اجتماعی انسان در هر مرحله‌ای با نوعی همبستگی اجتماعی همراه بوده است. کثرت نظریه‌ها و پژوهش‌ها در این حوزه، نیاز به فرا تحلیل را به منظور ترکیب و تجمیع یافته‌ها و ارزیابی نقاط قوت و ضعف افزون کرده است. این پژوهش به منظور مرور نظام‌مند مفاهیم مورد نظر، از روش فرا تحلیل کیفی، استفاده می‌کند. هدف اصلی، فرا تحلیل کیفی مطالعات در حوزه انسجام اجتماعی و مطالعه تشخیصی از وضعیت تولید علمی مقالات درباره انسجام و همبستگی اجتماعی، جمع‌بندی تحلیلی و همچنین ارائه تحلیل جامعه‌شناسانه از اهمیت موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی برای نهادهای برنامه‌ریز اجتماعی و سیاسی است. به این منظور ۵۵ مقاله فارسی مرتبط با موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۸۰ شناسایی شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد فقدان تعریف واحد و مورد توافق بین محققان منجر به تعاریف چندگانه براساس جهت‌گیری فرد محقق و ایدئولوژی وی شده است. از سوی دیگر، ماهیت چندبعدی و چند سطحی انسجام منجر به سطوح تحلیل متفاوت از موضوع و گاهی تقلیل‌گرایی از سوی پژوهشگران گردیده است.

کلید واژه‌ها: نظم، انسجام، همبستگی، وفاق، فرا تحلیل.

۱- دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

Email: Earabpour@yahoo.com

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

فراتحلیل یکی از روش‌های توصیفی است که تحقیقات انجام‌شده را ارزیابی می‌کند. فراتحلیل عبارت است از تحلیل آماری بسیاری از مطالعات و تحقیقات منفرد در حوزه‌ای معین به‌منظور ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها. از نظر ولف^۱ (۱۹۸۶) فراتحلیل، تحلیل تحلیل‌ها یا تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج مطالعات جداگانه به‌منظور ترکیب یافته‌هاست. در فراتحلیل تحقیقات موجود، تأکید بر ترکیب و یکپارچه‌سازی نتایج آن‌ها جهت استفاده علمی و کاربردی است؛ بنابراین فراتحلیل، مقایسه نتایج تحقیقات دیگران است؛ یعنی اینکه از تحقیقات و نتایج تحقیقات و تحلیل موجود، تحلیل دیگری عرضه کنیم. آنچه که بر اهمیت و کاربرد این روش تحقیق افزوده است، نقش آن در ترکیب و یکپارچه‌سازی پژوهش‌هایی است که به‌صورت انفرادی و پراکنده انجام گرفته است. از نظر روش‌شناختی نیز فراتحلیل به‌روشنی خلأها و مشکلات و نواقص پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده را نشان می‌دهد. انجام فراتحلیل اقتضا می‌کند تا تعداد قابل‌اتکایی از کارهای پژوهشی در موضوعی واحد وجود داشته باشد تا به‌واسطه انباشت نتایج امکان فراتحلیل مهیا گردد. موضوع انسجام اجتماعی به لحاظ اهمیت در حوزه جامعه‌شناسی و حجم پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، امکان فراتحلیل و پرداختن به آن را فراهم می‌کند. در دوران مدرن و شهرنشینی حاضر به‌ویژه در جوامع جهان سوم تلاش در جهت همبستگی و بالا بردن انسجام اجتماعی در بین شهروندان، یکی از اهداف مهم برنامه‌ریزان اجتماعی و مدیران عرصه شهری و جامعه‌شناختی است. مفهوم انسجام اجتماعی از ابتدای طرح موضوعات و مباحث جامعه‌شناسی در کانون توجه نظریه‌پردازان این رشته قرار داشته است و یکی از مرکزی‌ترین مسائل جامعه‌شناسی در گذشته و حال بوده است. این سازه جامعه‌شناختی به‌دلیل تحول شرایط جوامع و شکاف‌های عمیق تاریخی که به‌واسطه مدرنیته و اثرات و تبعات آن به وجود آمده است؛ تغییرات گسترده‌ای به خود دیده و از این‌رو بررسی و مطالعه علل مقوم آن ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. پایداری و استمرار حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه در گرو همبستگی بین اجزا و عناصر سازنده ساختار اجتماعی آن جامعه است. انسجام در فرایندی اجتماعی متولد می‌شود؛ از طرفی پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه بررسی شود بلکه نیازمند بازسازی و بازتولید مستمر است تا جامعه به‌عنوان یک سیستم اجتماعی بهتر بتواند در مسیر توسعه و نظم پیش رود و یکپارچگی و هماهنگی بین اجزا و ساختارهایش را به وجود آورد. انسجام باعث پیوند فرد به

1. Wolf

جامعه می‌شود و درعین حال همدلی، توافق و هماهنگی بین افراد، تبلور انسجام است. به نوعی می‌توان گفت انسجام کامل‌ترین مرحله پیوند اجزای مختلف جامعه است. جامعه به‌عنوان یک کل، برای اینکه بهتر بتواند به اهداف، هماهنگی و سازگاری بین بخش‌های مختلف خود دست یابد؛ نیازمند این است تا اجزای مختلف این سیستم دارای ادراک‌های مشترک، پیوندهای عاطفی، وابستگی متقابل و درعین حال تمایزیافته و تخصصی باشند تا نوعی وحدت در کثرت و انسجام بین اجزا، افراد و گروه‌ها شکل بگیرد. با این اوصاف جامعه امروزی جامعه پیچیده‌ای است و در آن انسجام شکننده‌تر از جوامع ساده گذشته است. بشر از دیرباز به دنبال گسترش تعاملات و ارتباطات خود به منظور رفع نیازهای اساسی خود بوده و بر این اساس سنگ بنای تعامل و انسجام میان آن‌ها شاه‌کلید غلبه بر ناملايمات محیطی و اجتماعی بوده است. از این رو با تحول جوامع و پیچیدگی ساختاری آن‌ها، مسأله انسجام اجتماعی هدف بسیاری از پژوهش‌ها و بررسی‌هاست (نوابخش و فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۴).

۲. ضرورت انجام پژوهش

زندگی اجتماعی انسان در هر شکل و مرحله‌ای از توسعه با نوعی همبستگی اجتماعی همراه بوده است. به‌ویژه در مراحل اولیه حیات اجتماعی، همکاری و پیوستگی بین افراد به منظور مقابله با خطرهای محیط طبیعی، همبستگی اجتماعی را موجب می‌گردید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۰). در پرتو جهانی‌شدن، الگوهای سیاست‌ورزی، فرهنگ و حتی حوزه‌های شخصی زندگی، انسجام و همبستگی اجتماعی، تعاریف و تلقی‌ها از آن دستخوش تحولات زیادی شده است. ایده انسجام اجتماعی، همان‌گونه که زتومکا نیز بیان داشته است، ایده جدیدی نیست، بلکه جریانی فکری است که چندین قرن از آن می‌گذرد. به نظر وی بر خورداری جامعه از ویژگی‌های منحصر به فردی چون آینده‌گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزاید نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد و انسجام اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی را واقعیتی جدی کرده است (زتومکا، ۱۹۹۹: ۱۰-۵). بررسی وضعیت انسجام اجتماعی در هر جامعه‌ای لازمه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی آن جامعه است. با توجه به اینکه دولت‌ها به منظور ادامه حاکمیت خود به دنبال امنیت ملی هستند، بنابراین موفقیت آن‌ها تا حد زیادی به روش‌ها و نحوه ایجاد انسجام و تعامل اجتماعی که در

مقابل قومیت‌ها اتخاذ می‌کنند، بستگی دارد (رضوی آل‌هاشم و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲). فقدان همبستگی اجتماعی و یا تأثیر متغیرهای تأثیرگذار در کاهش آن، عامل عمده در شکل‌گیری روند فرار از نظم و ترتیبات عام اجتماعی است. با وجود وفاق و همبستگی اجتماعی و ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری و مشارکت اجتماعی به وجود خواهد آمد و باعث می‌شود توسعه اجتماعی در سایه نظم اجتماعی که محصول وفاق و همبستگی اجتماعی است، شکل گیرد (نوابخش و فیروزآبادی، ۱۳۹۱). کارکردهای انسجام اجتماعی در سطوح خرد و کلان نظام اجتماعی مشاهده می‌شود که ضرورت بررسی و اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند. انسجام اجتماعی به بررسی، تبیین چرایی و کم و کیف روابط متقابل بین فرد و جامعه معطوف است. فقدان انسجام اجتماعی زمینه‌ساز بروز بی‌هنجاری است. از سوی دیگر، تبیین و تحلیل موضوع انسجام اجتماعی یکی از بنیان‌های شکل‌گیری جامعه‌شناسی معاصر تلقی می‌شود (ویلکینسون^۱، ۲۰۰۸). جامعه ایران به‌مثابه جامعه‌ای در حال گذار، فاقد رویکرد هویتی کلان، سرشار از نزاع‌های هویتی یک جامعه پسا انقلابی، فاقد انسجام، حتی در سطوح دولتی و حکومتی (کچوییان، ۱۳۷۴) هر چه بیشتر نیازمند هویت بخشی و تأکید بر مبانی انسجام بخش است. ایران امروزه در بعد انسجامی دچار مشکلات جدی و تناقضات آسیب‌زا است. به‌طوری‌که حتی این مسأله نیز در کلام صاحبان امر به‌وضوح مشهود است. صاحب‌نظران نیز در بحث‌هایی نظیر انسجام، نظم، توسعه اجتماعی، هویت و اعتماد اجتماعی به مشکلات جامعه ایرانی اشارات مکرر داشته‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۲؛ پیران، ۱۳۸۲؛ کچوییان، ۱۳۷۴؛ خانیکی، ۱۳۸۳؛ احمدی، ۱۳۸۳؛ ستاری، ۱۳۸۰؛ چلبی، ۱۳۸۱). از جمله نتایج مهم انسجام، یکپارچگی گروه در رسیدن به هدف است. در این صورت توافق و هماهنگی بیشتری از سوی گروه بر روی موضوعات و پدیده‌ها حاصل می‌شود، در نتیجه کارایی افزایش می‌یابد به‌طوری‌که فرایند زمانی رسیدن به هدف و مقصد کاهش می‌یابد و افراد با آرامش و امنیت روانی بهتری فعالیت می‌کنند. یکی دیگر از کارکردهای انسجام گروهی افزایش نفوذ است؛ که از این طریق نه‌تنها می‌توان بر سایر اعضای گروه اعمال نفوذ داشت بلکه می‌توان آن‌ها را با خود همراه ساخت و در برابر فشارهای گروه رقیب به‌آسانی ایستادگی و مقابله کرد (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۸: ۴-۳). به این ترتیب با توجه اینکه انسجام یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند فرد و جامعه است و از مفاهیم مرکزی و اصلی جامعه‌شناسی از دیرباز تاکنون است بررسی علل و عوامل شکل‌دهنده و تقویت‌کننده آن، عوامل تضعیف‌کننده و کاهنده آن و به‌طور کلی میزان اهمیت و جایگاه آن

1. Wilkinson

در جامعه چندفرهنگی ایران نیازمند کاوش هرچه بیشتر است. با توجه به مطالعات متعدد و متنوع در مورد انسجام و همبستگی اجتماعی، ضروری است در یک جمع‌بندی، عوامل مشترک و مؤثر در این موضوع، نقاط قوت و ضعف پژوهش‌ها و گاهاً تضاد و تناقض‌ها را بیابیم و نتایج را یکپارچه و منسجم کنیم. روش فرا تحلیل در این مسیر سودمند خواهد بود.

۱-۲. سؤالات و اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، مقایسه یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه انسجام اجتماعی و ایجاد ارتباط بین مطالعات است. به عبارتی هدف اصلی فراتحلیل کیفی مطالعات در حوزه انسجام اجتماعی و مطالعه تشخیصی از وضعیت تولید علمی مقالات درباره انسجام و همبستگی اجتماعی، جمع‌بندی تحلیلی و همچنین ارائه تحلیل جامعه‌شناسانه از اهمیت موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی برای نهادهای برنامه‌ریز اجتماعی و سیاسی است.

در این مطالعه سؤالات و محورهای اساسی تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

- عمده‌ترین تحقیقات انجام‌شده در ایران در مورد انسجام اجتماعی و یا عناصر مفهومی آن کدامند؟
- رویکردهای روش‌شناختی به‌کار رفته در حوزه انسجام و همبستگی چه بوده است؟
- در بعد نظری متغیرهای مستقل و وابسته در تحقیق‌ها به چه صورت است؟
- وضعیت متغیرهای مستقل مؤثر بر انسجام اجتماعی یا عناصر مفهومی آن چگونه است؟
- پژوهش‌های حوزه انسجام و همبستگی عمدتاً در بازه زمانی موردنظر در این پژوهش به چه نتایجی رسیده‌اند؟

۲-۲. مبانی نظری و مفهومی نظم و انسجام اجتماعی

موضوع انسجام از ابعاد مختلف و متعدد مورد توجه متفکران علوم اجتماعی قرار گرفته است. انسجام پدیده‌ای چندعاملی است و متعدد بودن عوامل ایجادکننده آن، موجب شده محققان در رشته‌های مختلف از منظر خویش آن را بررسی کنند. به همین دلیل علوم مختلف انسانی و اجتماعی با رویکردهای گوناگون به این موضوع پرداختند. به‌طورکلی جامعه‌شناسی به‌عنوان یک رشته دارای دو مسأله اساسی است. یکی مسأله نظم که در منابع جامعه‌شناسی به مسأله هابزی معروف است و دوم مسأله تغییر که به مسأله مارکسی معروف شده است (زتومکا^۱، ۱۹۷۴، به نقل از چلبی، ۱۳۷۵). پیش از پرداختن به نظریه‌های مربوط به این حوزه، ابتدا به تعاریف مفاهیم نظم، انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی می‌پردازیم. در بخش دوم، به‌مرور

1. Szetompka

نظریه‌ها و تئوری‌های با موضوع انسجام و همبستگی، کارکردها و نقش آن در جامعه اشاره می‌شود و در نهایت در بخش سوم از نظریات چلبی برای چارچوب مفهومی و تنظیم فکر استفاده کردیم تا ابعاد موضوع را بهتر بکاوییم و جنبه‌های عینی و ذهنی و خرد و کلان آن را مشخص کنیم.

نظم را می‌توان به دو صورت طبقه‌بندی کرد (چلبی، ۱۳۷۲). نظم بیرونی یا نظم سیاسی و نظم درونی یا نظم وفاقی. در نظم سیاسی، نظم اجتماعی به صورت بیرونی و از بالا با پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود و اعضای جامعه با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی تن می‌دهند. در این نظم، وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است. اعتماد اجتماعی متقابل و تعهد درونی و وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته یا ضعیف است و یا وجود ندارد. ثبات و تداوم نظم سیاسی بالقوه شکننده و محدود است و در مقابل تحولات اقتصادی و سیاسی خارجی و داخلی بالقوه آسیب‌پذیر و متغیر است. نظم درونی برخلاف نظم بیرونی، به علت وجود وفاق اجتماعی عام و تعمیم‌یافته از موهبت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم‌یافته، نوعی همدلی ملی و ثبات بهره‌مند است. سازگاری اجتماعی عمدتاً از نوع سازگاری درونی است و اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام‌وظیفه می‌کنند.

انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی «انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است» (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰). انسجام اجتماعی به معنای استحکام درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. به تعبیر فرهنگ لاروس، انسجام اجتماعی، موقعیت گروهی است که یک مجموعه کاملاً پیوسته را در برمی‌گیرد. فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین انسجام اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی توصیف می‌کند که وحدت یک گروه یا جامعه را مشخص می‌کند (پترز، ۲۰۰۹: ۴). آلن بیرو (۱۳۷۰) عقیده دارد انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن در سطح گروه یا جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل به یکدیگر نیازمندند. این مستلزم طرد آگاهی و نفی اخلاقی مبتنی بر تقابل و مسئولیت نیست، بلکه دعوت به احراز و کسب این ارزش‌ها و احساس الزام متقابل است. انسجام اجتماعی نوعی احساس گرایش، ارتباط و تعامل با دیگران است و منظور از آن احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردارند.

همبستگی اجتماعی، واقعیتی ذهنی است که در آن فرد تعلق و وابستگی تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند (سیمن^۱، ۱۹۵۹؛ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸)؛ و وفاق اجتماعی، نوعی توافق جمعی نسبت به مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی، باورها، ارزش‌ها و تعامل و احساس مشترک اعضای جامعه با یکدیگر (چلبی، ۱۳۷۲). در این بخش به‌مرور نظریه‌ها و تئوری‌های با موضوع انسجام و همبستگی، کارکردها و نقش آن در جامعه خواهیم پرداخت.

شاید بتوان گفت صرف‌نظر از پاره‌ای اشارات تاریخی و اجتماعی در بین آثار فلاسفه یونانی و مورخان مسلمان، ابن خلدون برای نخستین بار به شکلی عالمانه و نقادانه موضوع انتقال از نواحی بادیه‌نشین به شهرنشین را محور بررسی قرار داده و درصدد برآمده که دلایل کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی را در مناطق شهری مورد مطالعه قرار دهد (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). به‌زعم کنت توزیع دائمی کارهای گوناگون انسان‌هاست که همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورد و همبستگی با به هم پیوستگی درونی جامعه یا گروه در ارتباط است. همبستگی گروهی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خویشتن تطابق و هم‌نوایی یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۰۱). امیل دورکیم از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان انسجام اجتماعی است. وی با مشاهده نابسامانی‌های جامعه زمان خود و در پاسخ به این پرسش که چه چیز سبب می‌شود جامعه حفظ شده و دچار فروپاشی نشود، نظریه انسجام اجتماعی را ارائه کرد. وی همبستگی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و از حس همبستگی نام می‌برد. دورکیم همبستگی را نوعی دوست داشتن دیگران، جاذبه متقابل و مثبت می‌داند و به نقش انسجام در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی تأکید کرده است. او معتقد است هرچه اعضای یک جامعه هم بسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا به حالت دسته‌جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند (آبراهام^۲، ۱۳۶۹: ۱۹۶). او ضرورت همبستگی را در جامعه امری بدیهی دانسته و اظهار می‌دارد انسان‌ها به اتصالات بین خود و این احساس که این اتصالات آن‌ها را به اهداف جمعی وصل می‌سازد، احتیاج دارند. دورکیم سلامت جامعه را منوط به میزان درجه همبستگی اجتماعی آن‌ها دانسته و بررسی این میزان را از وظایف علم جامعه‌شناسی می‌داند. همبستگی اجتماعی می‌تواند وحدت، سلامت و یکپارچگی گروه را تعیین کند. هر جا که این همبستگی نیرومندتر باشد افراد را به‌سوی هم متمایل کرده و بر میزان روابط متقابل میان آنان می‌افزاید و برعکس هرچه میزان همبستگی کمتر باشد از تنوع روابط

1. Seeman
2. Abraham

و برخوردهای میان افراد جامعه کاسته خواهد شد (تنهایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳). به نظر وی انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به‌وسیله نهادهای فرهنگی تنظیم شوند، جایی که افراد متصل به جماعت اجتماعی شده باشند، جایی که کنش‌ها تنظیم شده و به‌وسیله هنجارها هماهنگ شده‌اند (ترنر و دیگری^۱، ۱۳۷۰: ۴۳۷). دورکیم احساسی که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، وجدان جمعی می‌نامد و جوامع را براساس درجه فشاری که وجدان جمعی به افراد آن وارد می‌آورد و درجه خودمختاری که برای وجدان‌های فردی گذاشته است، متفاوت می‌داند و بر این اساس به دو نوع همبستگی در جامعه اشاره می‌کند (ریتزر^۲، ۲۰۱۱: ۸۵). همبستگی مکانیکی که از تشابه و تجانس‌ها به وجود می‌آید و همبستگی ارگانیکی که براساس افتراق و تفاوت‌هاست؛ بنابراین یک جامعه، گروه یا موقعیت اجتماعی تا درجه‌ای هم‌بسته خوانده می‌شود که اعضایش دارای یک وجدان جمعی با اعتقادات و عواطف مشترک باشند، با یکدیگر رابطه متقابل داشته باشند و احساس کنند که وقف اهداف مشترکی هستند. بنا به نظر دورکیم آنچه موجب افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی می‌شود این است که احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید عاطفه جمعی نام دارد و عاطفه جمعی عمیق اکثراً طی مراسم و مناسک جمعی (مثل اعیاد و مراسم ملی مذهبی و ...) به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام را فراهم می‌کند (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). ترنر تحت تأثیر دورکیم انسجام را فرایند سازمان‌دهنده نظم اجتماعی می‌داند که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به نظر می‌رسد برای ترنر یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی، انسجام باشد. به نظر اسپنسر افزایش در حجم جوامع که با رشد جمعیت مشخص می‌شود، باعث تمایز ساختی و کارکردی در جامعه می‌شود. تمایز روزافزون با وابستگی متقابل فزاینده و ادغام هرچه بیشتر اجزا همراه است. با پیشرفت فرایند تکامل، همبستگی کارکردها بیشتر می‌شود، این همبستگی است که هم حیات کل را می‌سازد و هم ادامه زندگی اجزا را امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه هرگاه اجزا تمایز کمی از یکدیگر داشته باشند، می‌توانند کارکردهای یکدیگر را به‌آسانی انجام دهند؛ اما اگر اجزا به اندازه کافی از یکدیگر تمایز پیدا نکرده باشند نمی‌توانند وظایف یکدیگر را انجام دهند. از این‌رو ساختار جوامع پیچیده شکننده‌تر از ساختار جوامع ساده است (کوزر^۳، ۱۳۸۳: ۱۳۹). تالکوت پارسونز، انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی موردبررسی قرار داده است. به نظر او در هر مرحله پس از تفکیک

1. Turner

2. Ritzer

3. Coser

و پیدایش تنش‌ها، سازگاری‌هایی از سوی اجزای نظام برای رسیدن به وضعیت تعادل جدید صورت می‌گیرد. وی انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری‌هایی می‌داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقا و وضع تفکیک یافته، توسط دیگر اجزای سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای سیستم به‌عنوان یک کل پویا فراهم گردد (کوهی، ۱۳۸۲: ۵۶). وی در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی به کنش‌های اظهاری (کنش‌هایی که معطوف به دستیابی به هدفی خارج از موقعیت واسطه کنش نبوده و غایت آن‌ها در خودشان است)، اشاره کرده است و معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری خود، معطوف به دیگران^۱ باشد، به‌نوعی همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد و هرگاه این انسجام نهادینه باشد، می‌توان آن را همبستگی^۲ نامید. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها، مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به‌حداعلای خود می‌رسد (پارسونز^۳، ۱۹۹۵: ۲۸). می‌توان گفت همبستگی اجتماعی در درون یک فرد یا سازمان اجتماعی وجود ندارد. بلکه در فضای ارتباطی میان افراد موجودیت می‌یابد. اغلب نظریه‌های همبستگی اجتماعی بر نقش روابط و مناسبات اجتماعی بر شکل‌گیری و تقویت همبستگی اجتماعی تأکید دارند. بوردیو، کلمن، پاتنام و فوکویاما نیز همبستگی اجتماعی را وابسته به کیفیت روابط اجتماعی متقابل میان اعضای جامعه محلی می‌دانند. این نوع همبستگی یکی از منابعی است که از طریق روابط اجتماعی شناخته می‌شود (عبداللهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۹۵). در این میان فوکویاما پا را فراتر نهاده و همبستگی اجتماعی را یک هنجار اجتماعی می‌داند که از طریق همکاری میان دو یا چند نفر تقویت می‌شود و آن را محصول تعاملات چندجانبه می‌داند (زندرضوی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۸۸). به نظر گیدنز انسجام را نمی‌توان با اقدام از بالا به پایین دولت یا با توسل به سنت تضمین کرد. ما ناچاریم زندگی خود را به شیوه‌ای فعال‌تر از آنچه در نسل‌های پیشین بود بسازیم و برای پیامدهای آنچه انجام می‌دهیم و عادت‌های شیوه زندگی که برگزیده‌ایم فعالانه‌تر مسئولیت بپذیریم. ما امروز باید تعادل جدیدی بین مسئولیت‌های فردی و جمعی بیابیم (گیدنز^۴، ۱۳۷۸: ۴۳). در ایران بحث وفاق اجتماعی را چلبی از سال ۱۳۷۲ به بعد مطرح کرده است. از نظر وی وفاق «نوعی توافق جمعی یا ملی در خصوص باورها، ارزش‌ها و هنجارهای محوری جامعه است» (چلبی، ۱۳۷۸: ۲۰). چلبی وفاق را به منفعل و فعال تقسیم می‌کند. چلبی نوع وفاق حاکم بر

1. Alters
2. Solidarity
3. Parsons
4. Giddens

جامعه ایران در دوران قبل از انقلاب مشروطیت را وفاق انفعالی و غیرقراردادی می‌داند و معتقد است جوامع امروزی نوع دیگر وفاق اجتماعی را می‌طلبند. او می‌گوید: «در جامعه ما شرایطی به وجود آمد، از جمله افزایش جمعیت وجود اقوام مختلف، تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی، غلظت اطلاعاتی بالای محیط درونی و بیرونی که همه باعث شد تا به‌طور بالقوه فهم مشترک پایین بیاید، در چنین شرایطی طبیعی است که ما به‌نوعی وفاق نسبی احتیاج داشته باشیم. در وضعیتی که جمعیت زیاد شده و تفکیک اجتماعی_اقتصادی در آن صورت گرفته، گروه-بندی‌های مختلف سیاسی-قومی و صنفی و شغلی همراه با خرده‌فرهنگ‌های مربوط به آن وجود دارد و سطح بالای باسوادی با تحرک اجتماعی همراه گردیده است. این وضعیت نشان می‌دهد که اکنون به‌نوعی وفاق نسبی، فعال و فراگیر نیازمندیم که همه به‌صورت داوطلبانه در سایه آن قرار گیرند» (چلبی، ۱۳۷۸). نوع اخیر وفاق، وفاق اجتماعی عام و تعمیم‌یافته است که شکل‌گیری آن در هر جامعه‌ای باعث فراهم شدن ثبات سیاسی، مشارکت و همکاری اجتماعی، حل دو مشکل بنیانی (پیش‌بینی‌پذیری رفتارها و تعاون اجتماعی)، برخورد فعالانه با فرهنگ‌های بیگانه و کاستن از شکاف بین اخلاق نظری و اخلاق عملی و به تعبیر دیگر کاستن از امکان بروز فساد اخلاقی، سیاسی و اداری مانند رباکاری، پارتی‌بازی، خویشاوندگرایی، کم‌کاری، رشوه‌خواری و اختلاس می‌شود (چلبی، ۱۳۹۰: ۱۵۵-۱۵۴).

از آنجایی که مفاهیم نظم، انسجام، همبستگی و وفاق اجتماعی هم‌خانواده هستند، در چارچوب نظم در جامعه بهتر نمایان می‌شوند، به همین منظور از نظریه چلبی برای چارچوب مفهومی و تنظیم فکر استفاده کردیم تا ابعاد موضوع را بهتر بکاویم و جنبه‌های عینی و ذهنی و خرد و کلان آن را مشخص کنیم و در نهایت مدل مفهومی نیز براساس نظریه چلبی استخراج شد. چلبی نظم را در دو دسته خرد و کلان مطرح می‌کند و برای هر سطح نیز جوهری را در نظر می‌گیرد.

۲-۳. مسائل اجتماعی نظم در سطح خرد

دو عنصر اساسی سازنده جامعه در سطح خرد، فرد و تعامل است. آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و باعث تکرار، دوام و متشکل شدن تعاملات می‌گردد، بعد اظهاری تعامل است. از طریق تعامل اظهاری است که «ما» یا «اجتماع» یا «گروه اجتماعی» شکل می‌گیرد؛ یعنی سنگ بنای ما یا اجتماع تعامل است مشروط بر اینکه تعامل صبغه اظهاری به خود بگیرد. پس در سطح خرد به لحاظ تحلیلی دو عنصر فرد و تعامل و اثر ترکیبی آنها یعنی ما هر سه دست‌اندر کارند (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۶-۱۷). با تشکیل ما می‌توان از نوعی نظم اجتماعی خرد سخن گفت. این نظم دربرگیرنده افراد، تعاملات و ما است. جهت حفظ ما و بالطبع حفظ

الگوهای تعاملی، نظم اجتماعی خرد حداقل در چهار بعد با چهار مشکل ماهوی مواجه است. این چهار مشکل عبارتند از:

شکل ۱: چهار مشکل نظم اجتماعی خرد

همگامی G		همبختی A
	نظم خرد	
همدلی I		همفکری L

۱- همفکری مشترک، ۲- همگامی مشترک، ۳- همدلی مشترک و ۴- همبختی مشترک. یکی از مقتضیات نظم خرد فراهم کردن حداقل همفکری، درک مشترک و ارزشیابی مشترک نسبی است. در غیر این صورت در سه عنصر نظم یعنی فرد، تعامل و ما اختلال حاصل می‌شود. مشکل دوم نظم خرد، مسأله هماهنگی مشترک است. نظم اجتماعی نوعی سازش بیرونی را طلب می‌کند. افراد هر کدام در بعد ارگانیک و ظرفیت اجرا منحصر به فرد هستند. به عبارتی ضمن اینکه نفع مشترک دارند همزمان به‌طور نسبی و بالقوه حائز منافع متضاد به‌ویژه در موقعیت کمیابی نیز هستند. بدین ترتیب جهت جلوگیری از بالفعل شدن تضاد منافع و حاد شدن آن لازم است راه‌حلی پیدا شود به‌طوری‌که از طریق سازش بیرونی، عملاً به‌نوعی وحدت عمل و همگامی مشترک نائل آیند. مسأله سوم نظم در سطح خرد، مسأله همدلی متقابل و احساس تعلق مشترک است. فی‌الواقع خمیرمایه اصلی ما، احساس تعلق افراد به یکدیگر و به ما است. فقدان حداقل نوعی همدلی و احساس تعلق مشترک یعنی نبود ما و اضمحلال ما به من‌ها. دورکیم^۱ هم (۱۹۱۲) به‌درستی متذکر می‌شود که در تحلیل نهایی پایه هر نظم اجتماعی، عاطفه است. آخرین مشکل ماهوی نظم اجتماعی در سطح خرد، همبختی مشترک است. مراد از همبختی مشترک، نفع و اقبال مشترک است. نفع مشترک ریشه در نیازهای عام و مشترک انسانی دارد. نیازهایی که تأمین آن‌ها از طریق جمع و با مشارکت دیگران در جمع بیشتر ممکن است. منظور از اقبال مشترک (خطر مشترک) میزان تقابل افراد است به تشریک‌مساعی فیزیکی، مظهر عالی این تشریک‌مساعی تقسیم‌کار است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱-۱۹).

۲-۴. مسائل اجتماعی نظم در سطح کلان

جامعه شبکه‌ای از روابط اجتماعی است. شبکه‌هایی با مراتب مختلف از افراد و ماها (یا گروه‌ها) و تعاملات آن‌ها. نظم اجتماعی در سطح کلان به‌ویژه جوامع معاصر، با چهار مسأله ماهوی

1. Durkheim

اساسی مواجهه است. این چهار مسأله عبارتند از: ۱- تفاهم نمادی؛ ۲- تنظیم سیاسی؛ ۳- تنظیم اجتماعی و ۴- تعمیم ساختاری (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲).

شکل ۲: چهار مشکل نظم کلان

تنظیم سیاسی G		تعمیم ساختاری A
	نظم کلان	
تنظیم اجتماعی I		تفاهم نمادی L

یکی از لوازم انسجام کل (عام) و تشکل اجتماع جامعه‌ای (عام) برای ماهای متعدد و متفاوت و افراد، تفاهم نمادی یا وحدت نمادی است. نظم جامعه‌ای بدون وجود یک چارچوب نمادی مشترک غیرقابل تصور است. مشکل نظم اجتماعی کلان در بعد L یعنی چارچوب نمادی مشترک را می‌توان در چارچوب اجیل در چهار بعد به صورت تحلیلی از هم تمییز داد. این چهار بعد عبارتند از وجودشناسی و استانداردهای شناختی A، هنجارهای قانونی G، هنجارهای اجتماعی I و ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی L. دومین مشکل نظم، تنظیم سیاسی یا به عبارتی نظارت بیرونی است. تنظیم سیاسی بسط ضرورت همگامی مشترک بین ماها در سطح کلان است (همان: ۲۳-۲۵).

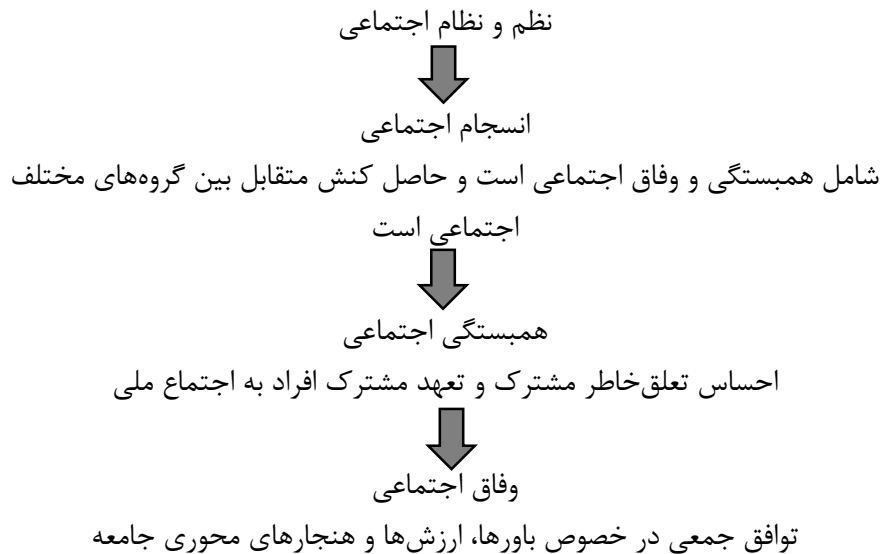
مسأله سوم نظم اجتماعی کلان، تنظیم اجتماعی است. جامعه‌ای که نوعی تفکیک اجتماعی را از سر گذرانده است با مجموعه کثیری از گروه‌های اجتماعی کوچک و بزرگ با مرزهای فرهنگی و هویت‌های متفاوت مواجه است. در این وضعیت دو نوع تعامل در میدان‌های تعاملی جامعه قابل تصور است. تعاملات درون‌گروهی و تعاملات بین‌گروهی. شکل، محتوی و میزان و شدت تعاملات درون‌گروهی و برون‌گروهی خود به‌طور همزمان منشأ اختلال و نظم‌اند. پیتر بلاو^۱ (۱۹۶۴) معتقد است مبادلات اجتماعی از طریق ایجاد نوعی اعتماد اجتماعی، تفکیک نقش (تخصصی شدن) و وابستگی متقابل، موجد انسجام اجتماعی در جامعه می‌شوند. همکاری و تفاهم بین گروهی حائز منشأ اثر دوگانه است. از یک طرف همکاری و تفاهم بین گروهی موجب تقویت انسجام کل می‌شود و از طرف دیگر همزمان همکاری و تفاهم بین گروهی ایجاد اختلال در نظم‌های خرد و انسجام محلی می‌نماید. به این ترتیب تنظیم اجتماعی در سطح نظام تعاملی جامعه با چهار مسأله اساسی تعاملات بین‌گروهی، رقابت بین‌گروهی، تعاملات درون‌گروهی، تفاهم بین گروهی مواجه است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۷-۲۵). چهارمین مشکل نظم کلان در بعد A تعمیم ساختاری است. تعمیم ساختاری در واقع مشکل تغییر نظم اجتماعی

1. Blau

از دیدگاه توسعه‌ای است. این مسأله برای جوامع معاصر به‌ویژه کشورهای در حال رشد، امروز عمده شده است. به تأسی از پارسونز چهار بعد برای مسأله تعمیم ساختاری قائل می‌شویم که پارسونز این چهار متغیر را به‌عنوان متغیرهای تکاملی یا به تعبیری متغیرهای نوسازی پیشنهاد می‌نماید. ارتقاء انطباقی، فردیت، ادخال، تعمیم ارزشی (همان: ۲۸).

چلبی ضمن برشمردن مفاهیم هم‌خانواده وفاق اجتماعی همچون همبستگی، انسجام، نظم و اجتماع نظام‌مند بین این مفاهیم تفاوت قائل شده است. به عقیده وی وفاق اجتماعی، زیرمجموعه همبستگی اجتماعی و یا به تعبیر علوم سیاسی، همبستگی ملی است و همبستگی ملی زیرمجموعه مفهوم انسجام اجتماعی است و این مفهوم را نیز زیرمجموعه نظم و نظام اجتماعی می‌داند. از دید او «همبستگی اجتماعی عبارت است از احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی.» از نظر او انسجام نیز دربرگیرنده هر دو مفهوم وفاق اجتماعی و همبستگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۸).

به این ترتیب رابطه وفاق، همبستگی، انسجام و نظم اجتماعی را به‌صورت نمودار زیر می‌توان نشان داد:



۳. روش انجام پژوهش

الف) نوع و سطح فراتحلیل

این پژوهش به‌منظور مرور نظام‌مند مفاهیم موردنظر، از روش فراتحلیل کیفی^۱، استفاده می‌کند. اسکریبر^۲ و همکاران، سه کاربرد مهم فراتحلیل کیفی را شامل ساخت و پردازش نظریه، روشن‌سازی نظریه و نیز ارائه تفاسیر نظری جدید می‌دانند. استابروک^۳ فراتحلیل کیفی را "روی هم‌ریزی یافته‌ها" نامیده و معتقد است که این روش به توسعه نظریه‌های متوسط کمک می‌کند (قاضی طباطبایی و ودادهیر، ۱۳۸۹). فراتحلیل با نگاه تراکمی نسبت به نتایج فعالیت‌های پژوهشی سعی دارد که تصویری کلی از تحقیقات را در حوزه‌های مختلف ارائه دهد و به پژوهشگر این امکان را بدهد که داده‌های به‌دست‌آمده از بررسی چندین مطالعه را با هم ترکیب کند و به نتایج جامع‌تری برسد (مکنون و سلیمی، ۱۳۹۷: ۸). اصطلاح فراتحلیل کیفی را اولین بار استرن و هاریس^۴ در سال ۱۹۸۵ به‌کار بردند. فراتحلیل کیفی در مطالعاتی که برخی از منابع موردنظر به روش‌های کیفی انجام‌شده‌اند یا زمانی که جنبه‌های توصیفی بیش از ابعاد تحلیلی مدنظر باشند و همچنین در مواردی که گزارش‌های مربوط به تحلیل‌های کمی در منابع موردنظر الگوهای تکرارشونده چندانی نداشته باشند، بیشتر مورد استناد قرار می‌گیرد (پارک و گرتیزل^۵، ۲۰۰۷، کی^۶، ۲۰۰۹)؛ بنابراین واحد تحلیل در فراتحلیل مطالعات انفرادی پژوهشگران مختلف در حوزه موردبررسی است. در واقع در فراتحلیل اطلاعات اولیه از منابع موجود جمع‌آوری و در نهایت ترکیب می‌شود و نتیجه‌ای حاصل می‌آید که تحقیقات به‌صورت پراکنده به آن نرسیده‌اند (علی بابایی و دیگری، ۱۳۸۸: ۲۱). فراتحلیل حاضر، با بررسی ادبیات موضوع از طریق مطالعه اسنادی آغاز و سپس با جستجو و گردآوری آثار و منابع لازم ادامه یافت. این مطالعه مباحث نظری و پیمایشی در حوزه موضوع انسجام اجتماعی در ایران را که به این حوزه مستقیماً مربوط بوده و یا برخی عناصر مفهومی این موضوع را شامل می‌شود، موردبررسی قرار می‌دهد و این تحقیقات از حیث مدل نظری و روابط بین متغیرها مورد تحلیل کیفی قرار می‌گیرند. فراتحلیل در این مقاله به شیوه‌ای توصیفی به ارائه یافته‌ها خواهد پرداخت. فراتحلیل دربرگیرنده ترکیب کمی گزارش‌ها و نتایج پژوهش‌های مشابه، استخراج و جدول‌بندی فروانی مشخصات پژوهش‌ها و بررسی روابط آماری میان متغیرهای

1. Qualitative meta-analysis
2. Schreiber
3. Estabrook
4. Stern & Harris
5. Park and Gretzel
6. Ke

پژوهش‌هاست. در فراتحلیل موردی و اجمالی (در روش‌های کیفی) بیشتر از آمارهای توصیفی استفاده می‌شود.

ب) سیمای جامعه آماری و نمونه‌ها

بیش از ۷۰ مقاله فارسی مرتبط با موضوع انسجام و همبستگی اجتماعی در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۸۰ از شش منبع علمی ویراساینس^۱، پایگاه مجلات تخصصی نور^۲، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۳، پرتال جامع علوم انسانی^۴، بانک اطلاعات نشریات کشور^۵ و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۶ شناسایی شد. در مجموع ۶۰ مقاله‌ای^۷ که شامل واژه‌های همبستگی، انسجام، وفاق در عنوان، چکیده یا کلمات کلیدی بودند، برای استخراج داده‌ها و بررسی بیشتر گزینش شدند. دامنه مطالعاتی این مقالات جهانی، بررسی در سطح کشور ایران و یا مطالعه موردی در مورد یکی از شهرهای کشور بوده است. تلاش محقق بر این بود تا مقالات علمی - پژوهشی و تخصصی منتشر شده در نشریات داخلی بررسی شود، لذا بسیاری از مقالات که در مجلات علمی پژوهشی معتبر چاپ نشده بودند، از دامنه تحلیل کنار گذاشته شدند. هرچند برخی از مقالات چاپ شده در مجلات علمی پژوهشی داخل نیز به دلیل ضعف روشی (و گاهی عدم ذکر روش به کار گرفته شده در مقاله) و نداشتن انسجام، بنا به صلاحدید محقق از تحلیل حذف شدند^۸ و در نهایت ۵۵ مقاله برای فراتحلیل انتخاب شدند. گام بعدی در فرایند فراتحلیل تهیه کاربرد استخراج داده‌ها بود که با مراجعه به نمونه‌های مشابه از فراتحلیل‌های کیفی در ایران (برای نمونه توکل و عرفان‌منش، ۱۳۹۳، ذاکر صالحی و قانع‌راد، ۱۳۹۴، کرمانی و همکاران، ۱۳۹۷) و مشخص ساختن قالب‌های مضمونی لازم برای انجام فرایند استخراج داده‌ها، صورت گرفت. این کاربرد ابتدا برای یکایک مقالات تکمیل و سپس یافته‌ها براساس تجمیع داده‌های این کاربردها در قالب جداول مختلف ساماندهی، ارائه و توصیف شده است. لازم به ذکر است منظور از مقاله علمی، در پژوهش حاضر مقالات علمی پژوهشی و علمی ترویجی منتشر شده در مجلات تخصصی است. به این ترتیب محقق تمام مجلات اعم از فصلنامه، ماهنامه، دوفصلنامه و ... را بررسی کرده و نشریاتی که درجه علمی پژوهشی داشتند

1. Vira science
2. Noormags
3. Sid
4. Ensani.ir
5. Magiran
6. Irandoc

۷. لیست ۵۵ مقاله در پیوست آمده است.

۸. این مقالات صرفاً به مرور نظری و ارائه مفاهیم مرتبط با موضوع پرداخته بودند.

مقاله‌تشان در دامنه بررسی و تحلیل قرار گرفت. از مجموع مقالات بررسی شده، ۵۳ مقاله در مجلات علمی پژوهشی و ۲ مقاله در مجلات علمی ترویجی چاپ شده بودند. مقالات بررسی شده، از سال ۱۳۸۰ به بعد را در برمی‌گیرد؛ این تاریخ، تاریخ ذوقی، سلیقه‌ای و اعتباری نبوده است و مطالب مندرج در سایر مجلات و منابع به دلیل محتوای کلی یا غیرتخصصی (در حد توضیح واضحات و بعضاً توضیحات تکراری) مشمول بررسی قرار نگرفته است. در ادامه نتایج بررسی‌های مقاله در دو بخش یافته‌های توصیفی فراتحلیل و جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد ارائه خواهد شد.

۴. یافته‌های توصیفی فراتحلیل

در بخش یافته‌های توصیفی فراتحلیل این مقاله تلاش کرده است تا ۱۶ شاخص را مطالعه کند. این شاخص‌ها عبارتند از: حوزه پژوهشی، توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها، قالب مقالات، سنخ‌شناسی پژوهشگران، بازه زمانی انتشار، جنسیت پژوهشگران، روش تحقیق، فرضیه یا سؤال تحقیق، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری، تکنیک و روش‌های جمع‌آوری داده، اعتبار و پایایی، متغیر مستقل، واسط و وابسته، رویکرد نظری تحقیقات و نتایج فرضیه‌های تأییدشده مقالات.

حوزه پژوهشی

جدول ۱: حوزه پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد
علوم اجتماعی	۳۰	۵۴/۵
علوم سیاسی	۷	۱۲/۷
بین‌رشته‌ای	۷	۱۲/۷
جغرافیا و شهرسازی	۴	۷/۳
اقتصاد	۳	۵/۵
امنیت ملی و اجتماعی	۲	۳/۶
مدیریت	۲	۳/۶
مجموع	۵۵	۱۰۰

موضوع مورد مطالعه در رشته‌های مختلف تحصیلی در نمونه‌های بررسی شده، ۵۴/۵ درصد از مقالات در حوزه‌های علوم اجتماعی (اعم از جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی)، ۱۲/۷ درصد در حوزه علوم سیاسی، ۷/۳ درصد در حوزه جغرافیا و شهرسازی (۳ مورد در رشته جغرافیا و ۱ مورد شهرسازی)، ۵/۵ درصد در حوزه اقتصاد، ۳/۶ درصد در حوزه

امنیت ملی و اجتماعی و مدیریت (پیشگیری از جرم و آموزشی) انجام شده است. ۷ مورد از مطالعات برابر با ۱۲/۷ درصد نیز بین رشته‌ای صورت گرفته است. این موارد عموماً در رشته‌های علوم اجتماعی و علوم سیاسی، جغرافیا و کشاورزی، جغرافیا و شهرسازی، جامعه‌شناسی و مدیریت بوده است. به این ترتیب بیشترین تحقیقات در ارتباط با مفهوم انسجام و همبستگی در حوزه جامعه‌شناسی بوده است.

توزیع جغرافیایی پژوهش‌ها برحسب استان، کشور و جهان

جدول ۲: توزیع جغرافیایی

متغیر	فراوانی	درصد
جهانی	۳	۵/۵
سطح ملی	۳	۵/۵
تهران	۶	۱۰/۹
سایر شهرها	۳۲	۵۸
دو یا چند شهر	۲	۳/۶
ذکر نشده	۹	۱۶/۴
مجموع	۵۵	۱۰۰

مطالعات در حوزه انسجام و همبستگی در کشور، پراکندگی نسبتاً متناسبی را نشان می‌دهد. ۱۰/۹ درصد از مطالعات در تهران، ۷/۳ درصد در استان اصفهان، ۵/۵ درصد در استان‌های شیراز و گلستان، ۳/۶ درصد نیز در استان‌های مشهد، آذربایجان شرقی، بوشهر، سیستان و بلوچستان، ایلام، خوزستان، کرج و یزد صورت گرفته است. همچنین ۲ مورد از مطالعات نیز به صورت بین‌شهری (تبریز و گنبدکاووس؛ تبریز و سمنان) انجام شده است. ۳ مطالعه در سطح کشور و ۳ مطالعه نیز در سطح جهان (مقایسه بین کشورهای مختلف) صورت پذیرفته است. ۱۶/۴ درصد نیز مکان مشخصی را برای مطالعات ذکر نکرده‌اند و در نهایت استان‌های چهارمحال و بختیاری، کرمانشاه، کرمان، اردبیل، گیلان و کهگیلویه و بویر احمد نیز ۱/۸ درصد از تحقیقات در این حوزه را به خود اختصاص داده‌اند و در مجموع ۵۸ درصد از مطالعات در سایر شهرها صورت پذیرفته است.

قالب مقالات

جدول ۳: قالب مقالات

متغیر	فراوانی	درصد
علمی پژوهشی	۵۳	۹۶/۴
علمی ترویجی	۲	۳/۶
کل	۵۵	۱۰۰

در نمونه‌های بررسی شده ۹۶/۴ درصد از مقالات در قالب علمی پژوهشی و ۳/۶ در قالب علمی ترویجی انجام شده است.
سنخ‌شناسی پژوهشگران

جدول ۴: سنخ‌شناسی

متغیر	فراوانی	درصد
مشترک (هیئت علمی و دانشجو)	۲۷	۴۹/۱
اعضای هیئت علمی	۲۰	۳۶/۴
پژوهشگران مستقل	۴	۷/۳
دانشجویان دانشگاهها	۴	۷/۳
مجموع	۵۵	۱۰۰

۴۹/۱ درصد از مقالات مشترک بین اساتید دانشگاهها و دانشجویان انجام شده است، که بعضاً مقالات مستخرج از پایان‌نامه‌های ارشد و دکترا را شامل می‌شدند. ۳۶/۴ درصد را اعضای هیئت علمی، ۷/۳ درصد را پژوهشگران مستقل و فارغ‌التحصیلان و ۷/۳ درصد را دانشجویان دانشگاهها انجام داده‌اند.

بازه زمانی انتشار

جدول ۵: بازه زمانی انتشار

سال	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی	درصد تجمعی
۱۳۸۰	۱	۱/۸	۱	۱/۸
۱۳۸۱	۱	۱/۸	۲	۳/۶
۱۳۸۴	۱	۱/۸	۳	۵/۵
۱۳۸۵	۱	۱/۸	۴	۷/۳
۱۳۸۶	۱	۱/۸	۵	۹/۱
۱۳۸۷	۱	۱/۸	۶	۱۰/۹
۱۳۸۸	۴	۷/۳	۱۰	۱۸/۲
۱۳۸۹	۱	۱/۸	۱۱	۲۰/۰
۱۳۹۰	۳	۵/۵	۱۴	۲۵/۵
۱۳۹۱	۳	۵/۵	۱۷	۳۰/۹
۱۳۹۲	۱۰	۱۸/۲	۲۷	۴۹/۱
۱۳۹۳	۶	۱۰/۹	۳۳	۶۰/۰
۱۳۹۴	۷	۱۲/۷	۴۰	۷۲/۷
۱۳۹۵	۵	۹/۱	۴۵	۸۱/۸
۱۳۹۶	۳	۵/۵	۴۸	۸۷/۳
۱۳۹۷	۷	۱۲/۷	۵۵	۱۰۰

معیار بازه زمانی، تاریخ انتشار و نه تاریخ انجام پژوهش بوده است. توزیع فراوانی مقالات در حوزه انسجام و همبستگی اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ روند ثابتی را طی کرده و در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۰، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۷ نسبت به دوره قبل رشد بیشتری داشته است و بیشترین میزان پژوهش‌های انجام‌شده در این رابطه، در سال ۱۳۹۲، ۱۸/۲ درصد بوده است.

جنسیت پژوهشگران

جدول ۶: جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۳۰	۵۴/۵
زن	۲۱	۳۸/۲
مشترک (زن و مرد)	۴	۷/۳

۵۴/۵ درصد از پژوهش‌ها توسط مردان، ۷/۳ درصد توسط زنان و ۳۸/۲ درصد نیز به صورت مشترک انجام شده است.

۵. روش پژوهش

به لحاظ روش استفاده‌شده در مقالات، بیشترین میزان مطالعات با روش‌های کمی (۷۲/۷ درصد) انجام شده است و سهم خوبی را به خود اختصاص داده است و نشان می‌دهد پژوهشگران برای سنجش مفاهیم به تحقیقات میدانی توجه ویژه‌ای داشته‌اند و پس از آن ۱۲/۷ درصد با روش‌های کیفی و ۹/۱ درصد نیز به صورت ترکیب روش‌های کمی و کیفی انجام پذیرفته است. استفاده از روش‌های ترکیبی می‌تواند ضعف‌های تک‌روشی را بپوشاند و جنبه‌های مختلف موضوع را پوشش دهد. ۳ مورد از مقالات نیز به‌طور صریح روش مورد استفاده را ذکر نکرده‌اند. یکی از ضعف‌های پژوهش‌ها و مقالات مورد بررسی (با وجودیکه در مجلات علمی پژوهشی معتبر نیز چاپ شده بودند) ذکر نکردن روش اصلی پژوهش در بخش چکیده و روشی کار بود. طبیعتاً محقق لازم است در ابتدا روش و اهداف پژوهش را به خواننده معرفی کند و سپس به بررسی مفاهیم بپردازد تا خواننده دچار سردرگمی نشود.

جدول ۷: روش تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد
کمی	۴۰	۷۲/۷
کیفی	۷	۱۲/۷
ترکیبی (کمی - کیفی)	۵	۹/۱
ذکر نشده	۳	۵/۵

فرضیه یا سؤالات تحقیق

جدول ۸: فرضیه یا سؤالات

متغیر	فراوانی	درصد
دارای فرضیه یا سؤال	۴۱	۷۴/۵
فاقد فرضیه یا سؤال	۱۴	۲۵/۵

در بین پژوهش‌های انجام‌شده ۷۴/۵ درصد دارای فرضیه یا سؤال تحقیق بودند و ۲۵/۵ درصد نیز سؤال یا فرضیه خاصی را مطرح نکرده بودند. در پژوهش‌های کمی و کیفی سؤال یا فرضیه به‌منزله راهنما و موتور تحقیق است و می‌تواند براساس اهداف پژوهش و روش کار به کمک محقق بیاید. محقق براساس سؤال خود می‌تواند سایر بخش‌های پژوهش را تنظیم کند (اعم از نوع پارادایم یا چارچوب مورد استفاده، روش مناسب، تکنیک جمع‌آوری داده و در نهایت تحلیل صحیح) نبود سؤال و فرضیه می‌تواند این چراغ و راهنما را از محقق سلب کند.

حجم نمونه

دامنه حجم نمونه‌ها در تحقیقات از ۵۰ تا ۱۵۰۳۴ نفر است. واحد جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها نیز در تحقیقات براساس حجم نمونه، فرد، خانوار، سرپرست خانوار و کشور بود.

جدول ۹: روش نمونه‌گیری

متغیر	فراوانی	درصد
خوشه‌ای	۱۶	۲۹/۱
تصادفی	۸	۱۴/۵
طبقه‌ای	۷	۱۲/۷
تمام‌شماری	۲	۳/۶
سه‌میه‌ای	۱	۱/۸
گلوله برفی	۱	۱/۸
قضاوتی	۱	۱/۸
ذکر نشده	۱۱	۲۰

روش نمونه‌گیری

در بین پژوهش‌هایی که به‌صورت کمی، کیفی یا ترکیبی انجام‌شده و دارای نمونه‌گیری بودند؛ ۲۹/۱ درصد به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۴/۵ درصد به شیوه تصادفی، ۱۲/۷ درصد طبقه‌ای-ای، ۳/۶ درصد همه‌شماری و ۱/۸ درصد به‌صورت سه‌میه‌ای، گلوله برفی و قضاوتی صورت

پذیرفته بود و ۱۱ مورد معادل ۲۰ درصد نیز با وجود داشتن حجم نمونه به‌طور صریح شیوه نمونه‌گیری خود را ذکر نکردند.

تکنیک‌ها و روش‌های جمع‌آوری داده

جدول ۱۰: تکنیک جمع‌آوری داده

درصد	فراوانی	متغیر
۵۶/۴	۳۱	پرسشنامه
۲۱/۸	۱۲	ترکیبی (اسناد، مصاحبه، پرسشنامه)
۱۲/۷	۷	اسناد، کتب، مراجع
۵/۵	۳	سایت‌ها و مؤسسات و مراکز معتبر
۳/۶	۲	ذکر نشده

بیشترین روش جمع‌آوری داده (۵۶/۴ درصد) به‌وسیله پرسشنامه بوده و پس‌از آن استفاده از ترکیب پرسشنامه، مصاحبه و استفاده از کتب و اسناد با ۲۱/۸ درصد، جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است. در سایر پژوهش‌ها جمع‌آوری داده با استفاده از اسناد و مراجع و کتب با ۱۲/۷ درصد و استفاده از اطلاعات سایت‌ها و مؤسسات و مراکز معتبر با ۵/۵ درصد انجام شده است. ۲ مورد نیز صریحاً به روش جمع‌آوری داده خود اشاره نداشتند. در پژوهش‌های علمی لازم است محقق در چکیده یا در بخش روش تحقیق، علاوه بر ذکر روش به شیوه جمع‌آوری داده و اطلاعات خود نیز اشاره کند.

اعتبار^۱ تحقیق

جدول ۱۱: اعتبار تحقیق

درصد	فراوانی	
۵۰/۹	۲۸	ذکر شده
۳۲/۷	۱۸	ذکر نشده
۱۶/۴	۹	تحقیقات کیفی

در پژوهش‌های کمی و ترکیبی ۵۰/۹ درصد به اعتبار ابزار اشاره داشتند که بیشتر از اعتبار صوری استفاده‌شده بود و ۳۲/۷ درصد نیز به اعتبار ابزار سنجش اشاره نداشتند.

پایایی^۲ تحقیق

در پژوهش‌های کمی و ترکیبی انجام‌شده ۵۸/۲ درصد از آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده کرده‌اند و ۲۵/۵ درصد از تحقیقات نیز به پایایی ابزار سنجش اشاره نکرده‌اند. در

1. Validity
2. Reliability

پژوهش‌های کمی ذکر اعتبار و پایایی برای نشان دادن موثق بودن و اعتبار داده‌ها نیاز است که محققان به این مهم توجه نکرده‌اند.

جدول ۱۲: پایایی تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد
آلفای کرونباخ	۳۲	۵۸/۲
ذکر نشده	۱۴	۲۵/۵
تحقیقات کیفی	۹	۱۶/۴

متغیر مستقل و وابسته

در بین پژوهش‌های کمی و ترکیبی، متغیرهای همبستگی اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی در برخی پژوهش‌ها به‌عنوان متغیر وابسته و در تعدادی از پژوهش‌ها نیز به‌عنوان متغیر مستقل سنجش شده است. بیشترین متغیرهایی که در مطالعات با سنجش‌های همبستگی، انسجام و وفاق اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، متغیرهای در سطح کلان و میانی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، قومیت و قوم‌گرایی، کنش ارتباطی و تعاملات اجتماعی، رسانه‌های جمعی و دینداری که در اکثر مطالعات نیز تکرار شده است. دسته دیگری از مطالعات براساس سؤال و هدف تحقیق به بررسی رابطه همبستگی و انسجام اجتماعی با متغیرهایی در سطح فردی و خرد توجه کرده‌اند که تعداد کمتری را شامل می‌شود. این متغیرها عبارتند از شادی و نشاط اجتماعی، فعالیت بدنی و ورزشی، تعاملات و جامعه‌پذیری خانواده، توافق و تفاهم، نظام ارزشی، پیشگیری از جرم، هویت، امنیت اجتماعی و در نهایت متغیرهای زمینه‌ای نظیر تحصیلات، سن، جنس، تأهل، پایگاه اجتماعی-اقتصادی در اکثر مطالعات به همراه سایر متغیرها سنجش شده‌اند. به‌طور کلی در حوزه سیاسی متغیرهای قوم‌گرایی، تمایلات و مطالبات قومی و میزان خشونت و تضاد قومی، بیشترین فراوانی را داشته‌اند. در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز متغیرهای اعتماد، مشارکت، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، وحدت، رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، اجحاف و بی‌عدالتی، دینداری و کنش ارتباطی، نظام ارزشی، احساس آنومی، احساس محرومیت، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱۳: متغیرهای تحقیق

ردیف	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۱	همبستگی	اعتماد، مشارکت، سرمایه و انسجام اجتماعی
۲	همبستگی اجتماعی	وحدت اجتماعی، مشارکت، احساس تعلق
۳	همبستگی اجتماعی	قوم‌گرایی، توسعه نابرابر، نگرش نسبت به جهانی‌شدن، ابزارها و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، احساس تبعیض، اجحاف و بی‌عدالتی، روحیه فردگرایی، آگاهی از حقوق شهروندی
۴	همبستگی اجتماعی (با ۳ بُعد گرایش به هویت ملی، گرایش به قانون، تعاملات و روابط اجتماعی - فرهنگی)	نمایلات قومی، بیگانگی اجتماعی و فرهنگی، امنیت اجتماعی و فرهنگی
۵	همبستگی و همگرایی ملی (با ۷ بُعد عواطف و احساسات فرهنگی، تعهدات ملی، ارتباطات و تعاملات اجتماعی، اعتماد، همکاری و مشارکت، وفاق در ارزش‌ها، کنترل جامعه بر فرد)	قوم‌گرایی و شدت مطالبات قومی
۶	همبستگی اجتماعی (با ۳ بُعد ارتباط، مشارکت، احساس تعلق)	میزان دینداری و انواع آن
۷	انسجام اجتماعی	سطح تحصیلات
۸	انسجام اجتماعی گروه‌های قومی	معیارهای مکانی (فضاهای عمومی، دسترسی، کیفیت محیط)
۹	انسجام اجتماعی	اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی
۱۰	انسجام اجتماعی	تفاهم و توافق، عقلانیت، سرمایه اجتماعی، تولید و تقویت نظام ارزشی، کنش ارتباطی، عادت‌واره، انگیزه پیشرفت و موفقیت، سرمایه فرهنگی، ایجاد وجوه مشترک، نشاط و شادابی، ورزش، تعادل اجتماعی، ثبات و پایداری، رقابت قاعده‌مند
۱۱	انسجام ملی (با ۴ بُعد انسجام فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی، تاریخی)	دینداری بیرونی و درونی
۱۲	انسجام اجتماعی (با ۴ بُعد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق ملی، منافع ملی)	عدالت اجتماعی، قوم‌گرایی، رسانه‌های جمعی
۱۳	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی و برابری در توزیع فرصت‌ها
۱۴	انسجام اجتماعی (با ۴ بُعد گرایش به ارزش‌های اجتماعی، گرایش به انتظام اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی)	مصرف رسانه‌ای
۱۵	انسجام اجتماعی	فعالیت بدنی، جنس

۱۶	میزان انسجام	شاخص محدودیت مذهبی و فرهنگی، میزان خشونت و تضاد قومی
۱۷	انسجام اجتماعی	جنسیت، تأهل، تقدیرگرایی، قوم‌گرایی، تعداد اعضای خانواده، نوع کشت
۱۸	انسجام اجتماعی	سرمایه اجتماعی و برابری در توزیع فرصت‌ها
۱۹	انسجام اجتماعی	تقویت همزیستی اجتماعی و نشاط اقتصادی، تقویت ارتباطات اجتماعی و تسهیم دانش، تقویت خود ارزشمندی و مداخله‌گری اجتماعی، تقویت تعاملات و شادکامی اجتماعی
۲۰	میزان سرمایه اجتماعی فرد (با ۳ بُعد اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی)	دینداری، فرهنگی-تعهدی، تعلق-تاریخی
۲۱	وفاق اجتماعی	پایگاه اجتماعی، نوع و میزان تعاملات پاسخگو
۲۲	وفاق اجتماعی و ابعاد آن (با ۳ بُعد میزان عام-گرایی، میزان تعهد تعمیم‌یافته، میزان اخلاق اجتماعی)	مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تقدیرگرایی، احساس انومی، احساس محرومیت، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، متغیرهای جمعیت‌شناختی
۲۳	وفاق اجتماعی	اعتماد و ابعاد آن
۲۴	وفاق اجتماعی	جامعه‌پذیری خانواده، تعاملات اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، قشر اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جنسیت، سن و تحصیلات
۲۵	وفاق اجتماعی	مشارکت اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، جنس، تأهل، قومیت، مذهب
۲۶	وفاق اجتماعی	امنیت اجتماعی، تعامل اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، اعتماد اجتماعی
۲۷	وفاق اجتماعی، هنجاری، ارزشی، احساسی	اعتماد اجتماعی
۲۸	وفاق نخبگان سیاسی	کنش ارتباطی
۲۹	وفاق اجتماعی عام (شهر، روستا، عشایر)	مشارکت اجتماعی، قشر اجتماعی، تقدیرگرایی، وسایل ارتباط جمعی، تحصیلات
۳۰	مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان	انسجام اجتماعی
۳۱	میزان تقویت امنیت و میزان کاهش جرائم	انسجام و وحدت اجتماعی
۳۲	انسجام درون‌گروهی خانواده	انسجام اجتماعی
۳۳	هویت جمعی	انسجام جمعی عام و همبستگی اجتماعی
۳۴	قومی‌گرایی و مذهبی‌گرایی	انسجام اجتماعی (۳ شاخص‌گرایش شیعه و سنی به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی آن‌ها با یکدیگر، میزان نزاع‌های جمعی میان آن‌ها)

۳۵	پیشگیری اجتماعی از جرم	انسجام اجتماعی (با ۵ بُعد اعتماد افراد به یکدیگر، احساس تعلق افراد به جامعه، قانون مداری، تشکل‌های اجتماعی، برخورداری یکسان از فرصت‌ها)
۳۶	مشارکت روستاییان	انسجام اجتماعی (۳ شاخص گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی در بین آن‌ها، میزان نزاع‌های جمعی و اختلاف‌های سیاسی)
۳۷	مشارکت سیاسی	سرمایه اجتماعی (با ۴ بُعد اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی)
۳۸	فرسودگی تحصیلی دانشجویان	متغیر واسطه‌ای: انسجام تحصیلی و اجتماعی کیفیت محیط دانشگاه

رویکرد نظری تحقیقات

نظریات استفاده‌شده در پژوهش‌ها دامنه وسیعی را شامل می‌شود اما فراوانی استفاده از نظریات دورکیم، تونیس، پارسونز و چلبی بیش از سایرین بوده است. اکثر پژوهش‌ها ابتدا تعریف موردنظرشان از انسجام، همبستگی و وفاق را ارائه داده‌اند و براساس موضوع و حوزه پژوهش، جنبه‌های مشترک تعریف را در مورد موضوع موردنظر به کار برده‌اند. تعدادی از پژوهش‌ها نیز از نظریات ترکیبی برای ساخت چارچوب و مدل نظری خود استفاده کرده‌اند. جدول زیر مهم‌ترین تعاریف و شاخص‌های موردنظر این مفاهیم را از دیدگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی ارائه می‌دهد.

جدول ۱۴: رویکردهای نظری

تعریف	نظریه‌پرداز
معتقد است وفاق اساس زندگی مثبت اجتماعی را تشکیل داده و فقدان آن موجب بی‌سازمانی، فروریزی ساخت جامعه و ازهم‌پاشیدگی حیات اجتماعی می‌شود. مفهوم انسجام اجتماعی، به پیوستگی متقابل افراد و گروه‌ها از طریق وابستگی متقابل، تفاهم یا خاستگاه مشترک اجتماعی گفته می‌شود.	بیرو
توزیع دائمی کارهای گوناگون انسان‌هاست که همبستگی اجتماعی را پدید می‌آورد و همبستگی با به هم‌پیوستگی درونی جامعه یا گروه در ارتباط است. همبستگی گروهی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت‌بخش خویشتن تطابق و هم‌نوایی یابد.	کنت
همبستگی را از نوع روابط عاطفی مثبت دانسته و آن را نوعی دوست داشتن دیگران، جاذبه متقابل و مثبت می‌داند و به نقش انسجام در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی، وحدت، سلامت و	دورکیم

	<p>یکپارچگی تأکید کرده است. همبستگی زمانی حاصل می‌شود که اکثر افراد جامعه ارزش‌ها و قواعد اخلاقی جامعه را بپذیرند و بدان عمل کنند. دو عامل تقسیم کار و وجدان جمعی باعث همبستگی و پیوند افراد با یکدیگر می‌شود. یکاو معتقد است هرچه اعضای یک جامعه هم بسته‌تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا به حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می‌کنند. از دو نوع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی براساس تشابه و تفاوت نام می‌برد.</p>
پارسونز	<p>انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. وی انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری‌هایی می‌داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقا و وضع تفکیک یافته، توسط دیگر اجزای سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای سیستم به‌عنوان یک کل پویا فراهم گردد. کار نظام اجتماعی، جمع کردن، یگانه کردن و هماهنگ ساختن اجزای کنش است</p>
بلاو	<p>وفاق اجتماعی زمانی در جامعه محقق می‌شود که بخشی از جامعه، برپایه عواملی چون سن، جنس، نژاد، شغل و همسایگی به درجه بالایی از همانندی دست یابند. لذا از نظر بلاو مبادلات اجتماعی از طریق ایجاد نوعی اعتماد اجتماعی، تفکیک نقش، تخصصی شدن و وابستگی متقابل، منجر به ایجاد وفاق اجتماعی خواهد شد.</p>
ترنر	<p>تحت تأثیر دورکیم انسجام را فرایند سازمان دهنده نظم اجتماعی می‌داند که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به نظر می‌رسد برای ترنر یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی، انسجام است.</p>
نیک‌گهر	<p>در جامعه‌شناسی منظور از وفاق اجتماعی، اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است. وفاق ملاط یگانگی اجتماعی است که از کنش‌های افراد نتیجه می‌گردد.</p>
آزاد ارمکی	<p>وفاق اجتماعی را یکی از مفاهیم کلیدی در حوزه علوم اجتماعی می‌داند اما معتقد است که میان علمای این علم توافقی بر سر تعریف مشترکی از آن وجود ندارد.</p>
عبدالهی	<p>اجماع بر سر ارزش‌ها و اعتقادات و مجموعه‌ای از اصول مورد توافق می‌داند که نتیجه تعاملات اجتماعی و مجموعه‌ای از کنش‌های مقدماتی است. به عقیده وی شاخص وجود وفاق اجتماعی وجود انرژی عاطفی و مجموعه‌ای از خودتنظیمی‌ها است که در برخی از نوشته‌ها با عنوان کنترل درونی بحث شده است. در مجموع کارکردهای وفاق سه عامل اند: ۱- پذیرش همگانی قوانین، قواعد و هنجارها ۲- پیوند با نهادهایی که قوانین و قواعد را ترویج و اعمال می‌کنند. ۳- احساس گسترده هویت و وحدت</p>
افروغ	<p>انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است.</p>
چلبی	<p>انسجام را به معنای «حضور فیزیکی هم‌زمان مجموعه‌ای از افراد، احساس عاطفی مشترک و اشتراک در توجه و آگاهی متقابل می‌داند که در قالب عناصری مانند پیوندهای احساسی مشترک، فعالیت و تعامل و عناصر هنجاری اشتراکی قابل درک است.</p>
توسلی	<p>انسجام و یکپارچگی به معنی داخل شدن افراد در یک محیط ملی- فرهنگی و تعلق نسبت به چارچوب‌ها، ساخت‌ها و شرایط اجتماعی آن محیط ملی است. از بُعد محتوای وجدانی نیز، انسجام به مفهوم جذب در ارزش‌ها و هنجارهای ملی است. با جذب فرد در محیط ملی، تعهداتی را در برابر محیطش به‌عنوان عنصری هم بسته و مسؤول می‌پذیرد.</p>

نتایج فرضیه‌های تأییدشده در پژوهش‌ها در ارتباط با متغیرهای انسجام، همبستگی و وفاق

در بین متغیرهای مورد بررسی در مقالات کمی و ترکیبی (کمی-کیفی) متغیرهای زیر در فرضیات مورد بررسی قرار گرفتند و روابط بین متغیرهای فوق با انسجام، همبستگی و وفاق مورد تأیید قرار گرفت. این متغیرها را در چهار دسته اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زمینه‌ای تقسیم کردیم. در هر پژوهش متغیر مورد نظر با متغیرهای همبستگی، انسجام و وفاق سنجش شدند.

جدول ۱۵: نتایج فرضیه‌های تأیید شده

عامل	همبستگی	فراوانی	انسجام	فراوانی	وفاق	فراوانی	فراوانی کل	درصد فراوانی کل
اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۱	سرمایه اجتماعی	-	سرمایه اجتماعی	-	۱	۱/۴
	اعتماد	۱	اعتماد	۱	اعتماد	۱	۳	۲
	ارتباطات و تعاملات اجتماعی	۱	ارتباطات و تعاملات اجتماعی	۱	ارتباطات و تعاملات اجتماعی	۳	۵	۷/۴
	مشارکت میان شهروندان	۲	مشارکت میان شهروندان	۲	مشارکت میان شهروندان	۳	۷	۱۰/۴
	وحدت	۱	وحدت	-	وحدت	-	۱	۱/۴
	احساس تعلق	۱	احساس تعلق	-	احساس تعلق	-	۱	۱/۴
	هویت ملی و جمعی	۲	هویت ملی و جمعی	۱	هویت ملی و جمعی	۱	۴	۵/۹
	احساس عدالت	۱	احساس عدالت	۱	احساس عدالت	-	۲	۲/۹
	آگاهی از حقوق شهروندی	۱	آگاهی از حقوق شهروندی	-	آگاهی از حقوق شهروندی	-	۱	۱/۴
	جرم و جنایت	-	جرم و جنایت	۲	جرم و جنایت	-	۲	۲/۹
	فعالیت بدنی و ورزش	-	فعالیت بدنی و ورزش	۲	فعالیت بدنی و ورزش	-	۲	۲/۹
	توسعه نابرابر	۱	توسعه نابرابر	-	توسعه نابرابر	-	۱	۱/۴
	توسعه پایدار	-	توسعه پایدار	۱	توسعه پایدار	-	۱	۱/۴
	همدردی در مواقع بحران و همیاری در فصل کار	-	همدردی در مواقع بحران و همیاری در فصل کار	۱	همدردی در مواقع بحران و همیاری در فصل کار	-	۱	۱/۴

۱/۴	۱	-	شورش	۱	شورش	-	شورش	فرهنگی
۸/۹	۶	۳	تحصیلات	۳	تحصیلات	-	تحصیلات	
۲/۹	۱	-	ارزش‌های فرهنگ ملی	-	ارزش‌های فرهنگ ملی	۱	ارزش‌های فرهنگ ملی	
۱۰/۴	۷	۳	رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	۳	رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	۱	رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی	
۱/۴	۱	۱	میزان مسافرت و سفر	-	میزان مسافرت و سفر	-	میزان مسافرت و سفر	
۱/۴	۱	-	دینداری	-	دینداری	۱	دینداری	
۱/۴	۱	-	محدودیت مذهبی و فرهنگی	۱	محدودیت مذهبی و فرهنگی	-	محدودیت مذهبی و فرهنگی	
۸/۹	۶	۱	قوم‌گرایی	۲	قوم‌گرایی	۳	قوم‌گرایی	
۱/۴	۱	۱	تقدیرگرایی		تقدیرگرایی	-	تقدیرگرایی	
۱/۴	۱	-	انسجام، ارتباط و مشارکت زوجین در خانواده	۱	انسجام، ارتباط و مشارکت زوجین در خانواده	-	انسجام، ارتباط و مشارکت زوجین در خانواده	
۲/۹	۲	-	توسعه اقتصادی	۲	توسعه اقتصادی	-	توسعه اقتصادی	اقتصادی
۲/۹	۲	۲	پایگاه اجتماعی	-	پایگاه اجتماعی	-	پایگاه اجتماعی	زمینه‌ای
۵/۹	۴	۳	سن، تأهل، درآمد	۱	سن، تأهل، درآمد	-	سن، تأهل، درآمد	
۱/۴	۱	-	تعداد اعضای خانواده	۱	تعداد اعضای خانواده	-	تعداد اعضای خانواده	

از بین متغیرهای ذکر شده در بالا برخی پژوهش‌ها صرفاً به وجود رابطه هم‌تغییری بین دو متغیر اشاره کردند، یعنی با افزایش یک متغیر، متغیر دیگر نیز تغییر می‌کند. این هم‌تغییری هم از نوع مثبت و هم منفی بوده است، بدین معنی که با افزایش یک متغیر دیگری نیز افزایش می‌یابد و یا با کاهش یکی دیگری نیز کاهش می‌یابد و در برخی نیز افزایش یکی از متغیرها با کاهش دیگری همراه است. در دسته دوم پژوهش‌ها علاوه بر هم‌تغییری و رابطه دو متغیر، رابطه علی نیز بررسی شده و یک متغیر به‌عنوان متغیر اثرگذار و پیش‌بینی‌کننده متغیر دیگر بوده است. به‌عنوان نمونه فرضیات زیر در پژوهش‌ها تأیید شده است.

- از عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی، می‌توان به اثر مستقیم متغیرهای قوم‌گرایی^۱، احساس تبعیض و بی‌عدالتی، توسعه نابرابر، آگاهی از حقوق شهروندی و رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی^۲ اشاره کرد.
- یکی از عوامل مؤثر بر ایجاد همبستگی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت میان شهروندان است.
- با افزایش انسجام میزان جرم و جنایت کاهش می‌یابد.
- با افزایش تحصیلات^۳، انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد.

جمع‌بندی و پیشنهادات

در این بخش جمع‌بندی نهایی به همراه سه الگوی نظری و تحلیلی (مکوا و بوساری^۴، ۲۰۱۸؛ فونسکا^۵ و همکاران، ۲۰۱۸؛ چلبی، ۱۳۷۵) در زمینه سنجش مفهوم انسجام ارائه خواهد شد. بررسی پژوهش‌های یک حوزه در کنار یکدیگر این امکان را فراهم می‌کند که نقاط قوت و کاستی‌های مقاله‌ها در نظر گرفته شود و این کاری است که در فراتحلیل ۵۵ مقاله بررسی شده در حوزه انسجام اجتماعی، در این پژوهش انجام شده است.

در بین نمونه‌های مورد بررسی، ۹۶ درصد از مقالات در قالب علمی پژوهشی انجام شده است و از جمله نقاط قوت آثار مطالعه شده می‌توان به حوزه‌های پژوهشی و توزیع جغرافیایی متنوع در پژوهش‌ها اشاره کرد. حدود ۵۵ درصد از مطالعات در حوزه علوم اجتماعی انجام گرفته و نیمی دیگر در سایر رشته‌ها. ارتباط انسجام و همبستگی در رشته‌های دیگر و با متغیرهای دیگر از جمله حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند علاوه بر غنای دانش، اطلاعات ارزشمندی را در خصوص سایر ابعاد نظم و انسجام به ما ارائه دهد. همچنین در مطالعات مربوط به انسجام و همبستگی، پراکندگی و توزیع جغرافیایی نسبتاً خوبی به چشم می‌خورد و حدود ۵۸ درصد از مطالعات در شهری غیر از تهران صورت گرفته است. اگر این مطالعات در سطح ملی به منظور بررسی تفاوت‌ها و همین‌طور در شهرهای با موقعیت مرزی و شهرهای دارای تنوع قومی، در سال‌های مختلف صورت پذیرد، می‌تواند روند انسجام و همبستگی را بهتر نمایان سازد. در بین روش‌ها، روش‌های کمی و پیمایش (۷۲/۷ درصد) بیش از سایر

۱. در دو مورد قوم‌گرایی دارای تأثیر مثبت معنی‌دار بر انسجام و همبستگی در جامعه مورد مطالعه بوده است (مقاله ۴۸ و مقاله ۸).

۲. در مقاله ۱۱ و ۲۹ رسانه‌های جمعی باعث افزایش وفاق اجتماعی و انسجام در جامعه مورد مطالعه شده‌اند.

۳. در مقاله ۲۰ با افزایش تحصیلات انسجام در جامعه مورد مطالعه کاهش می‌یابد.

4. Meko and Busari

5. Fonseca

روش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و همین‌طور بیش‌ترین تکنیک جمع‌آوری داده نیز از طریق تکنیک پرسشنامه، مصاحبه و استفاده از اسناد و کتب (حدود ۷۷ درصد) بوده است. نظریات استفاده‌شده در پژوهش‌ها دامنه وسیعی را شامل می‌شود اما فراوانی استفاده از نظریات دورکیم، تونیس، پارسونز و چلبی بیش از سایرین بوده است. اعتبار و پایایی ابزار تحقیق فقط در نیمی از مطالعات (۵۸ درصد) ذکر شده و سایر مطالعات از اعتبار ابزار سنجش سخنی به میان نیاورده‌اند. بیشترین متغیرهایی که در مطالعات با سنجش‌های همبستگی، انسجام و وفای اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، متغیرهای در سطح کلان و میانی نظیر اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، انسجام اجتماعی، قومیت و قوم‌گرایی، کنش ارتباطی و تعاملات اجتماعی، رسانه‌های جمعی و دینداری که در اکثر مطالعات نیز تکرار شده است. در حوزه سیاسی متغیرهای قوم‌گرایی، تمایلات و مطالبات قومی و میزان خشونت و تضاد قومی، بیشترین فراوانی را داشته‌اند. در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز متغیرهای اعتماد، مشارکت، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، وحدت، رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی، اجحاف و بی‌عدالتی، دینداری و کنش ارتباطی، نظام ارزشی، احساس آنومی، احساس محرومیت، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

با توجه به فراتحلیل و بررسی ۵۵ مقاله در حوزه نظم (انسجام، همبستگی و وفای)، یکی از اصلی‌ترین ضعف‌های پژوهش در این حوزه نبود تعریف واحد و منسجم و مورد توافق بین محققان بود. مفهوم انسجام اجتماعی یک مفهوم نسبی و دشوار برای تعریف است. بسیاری از محققان تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه داده‌اند اما مهم‌ترین چالشی که در تعاریف نیز مشاهده می‌شود، تعاریف چندگانه براساس جهت‌گیری فرد محقق و ایدئولوژی وی است. مسأله دیگر در ارتباط با مفهوم انسجام، ماهیت چندبعدی و چند سطحی آن است. هر چند محققان دانشگاهی و سیاست‌گذاران به این اجماع رسیدند که مفهوم انسجام اجتماعی از محبوبیت روزافزونی برخوردار است و لازمه ایجاد نظم در جامعه است اما با این وجود این مفهوم هنوز بد تعریف شده است و معنای آن از یک محقق تا محقق دیگر کاملاً متفاوت است. درحالی‌که برخی محققان این مفهوم را مترادف با اعتماد، همبستگی و صلح و سازش می‌دانند بسیاری دیگر معتقدند این مفهوم می‌تواند سرمایه اجتماعی، هویت جمعی و احساس تعلق را دربر بگیرد. با این حال جامعه‌شناسان این مفهوم را با باورها و اعتقادات که شامل یکپارچگی اجتماعی و یکپارچگی سیستم است هم‌تراز و هم‌ردیف قرار داده‌اند (مکوا و بوساری^۱، ۲۰۱۸). به این ترتیب نداشتن تعریف واحد و منسجم و گاهی استفاده از مفاهیم به جای یکدیگر بررسی

کار را با مشکلاتی مواجه می‌ساخت. هرچند مفاهیم انسجام^۱، همبستگی^۲ و وفاق از یک خانواده‌اند اما تفاوت‌هایی بین‌شان وجود دارد که لازم است در سنجش مفاهیم و موضوع به‌طور دقیق ذکر شود تا از خلط مباحث جلوگیری شود.

ضعف دیگر آثار بررسی‌شده، مربوط به ارائه اطلاعات ناقص در مقالات پژوهشی است. این موضوع به‌خصوص در مورد چارچوب نظری، اعتبار، پایایی و آزمون‌های آماری به چشم می‌خورد. عدم اشاره دقیق به چارچوب نظری مورد استفاده در کار، با وجود انبوهی از نظریات مطرح‌شده در اثر، عدم اشاره به ابزار مورد استفاده در سنجش اعتبار و پایایی و در نهایت آزمون‌های آماری ناقص که در بخش نتیجه‌گیری و یا چکیده کار ذکر شده ولی در یافته‌ها وجود ندارد، از جمله موارد دیده شده در مطالعات است. علاوه بر این برخی مقالات با وجود عنوان علمی- پژوهشی گام‌های اساسی که مستلزم روش اصولی و علمی در پژوهش کمی است برداشته‌اند. این ضعف روش‌شناختی در رشته‌های غیر از علوم اجتماعی به‌وفور به چشم می‌خورد.

مورد دیگری که در پژوهش‌ها به چشم می‌خورد مربوط به سطح تحلیل موضوع بود. اگر مفهوم نظم یا انسجام در سطح کلان به‌کار گرفته می‌شود و تعریف می‌شود واحد نمونه و تحلیل نیز باید در همین سطح باشد در غیر این صورت دچار مشکل تقلیل‌گرایی خواهیم شد. بعضاً در برخی پژوهش‌ها به این نکته توجه نشده بود و تعریف و شاخص‌سازی مفهوم در سطح کلان و تحلیل در سطح خرد انجام‌شده بود.

با توجه به اینکه انسجام یک مفهوم اصلی و هسته‌ای در جامعه‌شناسی است بهتر است یک تئوری کلی در رابطه با انسجام اجتماعی که شامل تعریف دقیق این مفهوم و ابعاد مختلف آن است، مطرح نظر قرار گیرد و یا ساخته و پرداخته شود. انسجام یک مفهوم کاملاً انتزاعی است و به فرایندهای اجتماعی بی‌شمار و متنوع که به‌منظور ایجاد تعادل و ثبات نسبی در جامعه به‌کار می‌رود، اشاره دارد. به‌طور کلی اصطلاح انسجام اجتماعی نشان می‌دهد که گرچه جوامع مدرن پیچیده و متمایز هستند اما کل (جمع)، تعادل به‌دست آورده و به‌صورت کم‌وبیش باثبات ادامه حیات می‌دهد. این پدیده با نام انسجام اجتماعی به وجود پیوندهای اجتماعی نسبت داده می‌شود که به گفته نظریه‌پردازان مردم را به هم پیوند می‌دهد یا در کنار هم حفظ می‌کند. هدف نهادها و ساختارهای اجتماعی نیز تقویت پیوندهای اجتماعی و پیوندهای بین افراد است. وجود شبکه‌ها باعث می‌شود افراد به‌صورت پایدار در کنار هم دیده شوند و از جامعه

1. cohesion
2. solidarity

و جمع کنار گذاشته نشوند. دیویی فیلسوف با استفاده از استعاره مکانیکی استدلال کرد که مدرسه به‌عنوان سیمانی در ساختار اجتماعی عمل می‌کند؛ زیرا خود او نیز تأثیر آموزش بر جامعه را می‌پذیرد (دیویی^۱، ۱۹۲۳: ۵۰۴). به عبارتی نهاد مدرسه و آموزش باعث پیوند فرد به جامعه می‌شود. محققان دیگر، انسجام اجتماعی را به‌عنوان نیرویی که مردم را کنار هم نگه می‌دارد یا مانند نیروی جمعی در میدان که باعث می‌شود افراد در گروه بمانند، می‌پندارند. هرچند برخی محققین مانند فریدکین، معتقدند تحقیق علمی باید این نیروها را شناسایی کند و چگونگی عملکرد آن‌ها را کشف کند (فریدکین^۲، ۲۰۰۳: ۴۰۹). در مقالاتی که مورد فراتحلیل قرار گرفتند تعداد کمی از آن‌ها به عوامل مؤثر در شکل‌گیری انسجام در جامعه اشاره داشتند و فقط در حد رابطه بین دو متغیر به نتیجه اکتفا کردند. لازم است با عمق بیشتر جامعه مورد مطالعه بررسی شود و در تحلیل نتایج نیز بتوانیم عامل‌های اصلی مؤثر بر ایجاد انسجام و همبستگی را شناسایی کنیم. از نظر برگر^۳ (۲۰۰۰) مفهوم انسجام اجتماعی دو بُعد مهم دارد که عبارتند از:

- ۱- اولین بعد مربوط به کاهش نابرابری، اختلافات و محرومیت اجتماعی می‌شود.
- ۲- بعد دوم به تقویت روابط اجتماعی، تعاملات و پیوندهای اجتماعی می‌پردازد. این بعد همه جنبه‌هایی که به‌طور کلی به‌عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه در نظر گرفته می‌شود، می‌پذیرد. در پژوهش و بررسی در خصوص انسجام، همبستگی، وفاق و نظم دست کم سه سطح تحلیلی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد: اول، سطح خرد (معطوف به افراد و شهروندان)، در سطح فردی وقتی افراد با یکدیگر وارد رابطه می‌شوند به‌عنوان مثال در انجمن‌ها، جمعی را که جزء لاینفک آن‌هاست حفظ می‌کنند. دوم سطح میانی (در سطح خانواده، گروه و خرده-فرهنگ‌ها) ادبیات انسجام عواملی را در نظر می‌گیرد که عضویت در گروه را تسهیل می‌کند. به‌عنوان مثال مفهوم انسجام رابطه‌ای به‌منظور توضیح شرایطی است که گروه وجود دارد حتی اگر بعضی افراد آن را ترک کنند؛ و سوم سطح کلان (ساختارها و نهادها). در این سطح استدلال می‌شود که دموکراسی، حقوق برابر، تحمل و بردباری، اعتماد و عدالت اجتماعی همگی به انسجام کمک می‌کنند (مکوا و بوساری^۴، ۲۰۱۸). تجزیه و تحلیل و ارائه هرگونه راه‌حل، لاجرم باید متناسب با هر یک از سطوح سه‌گانه باشد. بررسی مسأله انسجام به ما این امکان را می‌دهد تا ابعادی از موضوع که مورد توجه قرار نگرفته کشف کنیم.

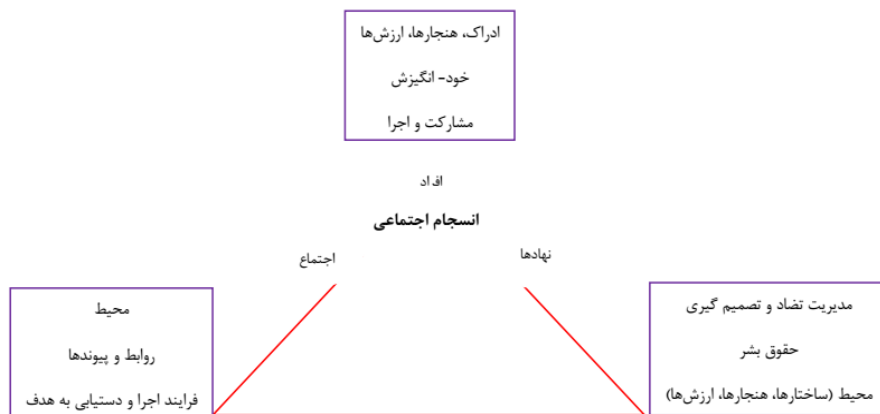
1. Dewey

2. Friedkin

3. Regina Berger-schmitt

4. Mekoa and Busari

در ادامه الگوی دیگری در سه سطح از سوی فونسکا^۱ و همکاران (۲۰۱۸) ارائه می‌شود. آن‌ها برای توصیف و سنجش انسجام اجتماعی (به‌عنوان یک مفهوم پویا و پیچیده) یک چارچوب کلی که از سطوح چندگانه ساخته شده را ارائه داده‌اند. این چارچوب ارتباطات و وابستگی‌های متقابل بین فرد، اجتماع و نهادها را نشان می‌دهد که برای درک بهتر و مطالعات انسجام در آینده می‌تواند مفید واقع شود.



شکل ۳: چارچوبی برای توصیف و سنجش انسجام اجتماعی

در سطح نخست، افراد برای ایجاد انسجام اجتماعی باید انگیزه و محرک‌هایی داشته باشند که بخواهند به گروه یا جامعه تعلق داشته باشند که این محرک‌ها ناشی از اعتقادات شناختی (هنجارها و ارزش‌های) آن‌هاست. ادراک از محیط و باورهای شناختی یک فرد به‌طور مستقیم با محیط‌های رسمی و غیررسمی که افراد تجربه می‌کنند مرتبط است. یک فرد می‌تواند در گروه - در صورتی که بقیه گروه محیط مناسبی با ارزش‌ها و هنجارهای سازگار فراهم کنند- با توانایی مشارکت و اجرای نقش احساس انسجام کند. به عبارتی در صورتی که قوانین، مقررات، هنجارها و ارزش‌ها اجازه دهند یک فرد می‌تواند فعالانه در گروه مشارکت کند. اگر فرد با نابرابری و عدم حمایت از موقعیت خود یا هرگونه تضاد و درگیری عمیق در گروه روبرو باشد احتمالاً انگیزه شخصی وی برای ماندن در گروه محو می‌شود. به این ترتیب عامل خود انگیزشی، به دلایلی مربوط می‌شود که فرد را به سمت گروه سوق می‌دهد و عامل مشارکت و عملکرد به انگیزه‌ای که فرد برای کنش و مسئولیت‌پذیری در گروه دارد، مربوط می‌شود.

1. Fonseca

در سطح اجتماع، عامل محیط اجتماعی به جو اجتماعی یک گروه مرتبط است و عامل روابط و پیوندها در اجتماع به سرمایه‌ای که اعضای گروه در روابطشان به دست می‌آورند توجه دارد. از جمله تحقیقات مرتبط در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سرمایه اجتماعی و اعتماد (لارسن^۱، ۲۰۱۳)، حمایت اخلاقی (دورکیم، ۱۸۹۷)، ارزش پاداش در گروه (هومنز، ۱۹۵۸). عامل سوم که در سطح اجتماع تعریف شده فرایند اجرا و دستیابی به هدف است که به عملکرد گروه و اهداف مشترک، رفتارها و هنجارهای اخلاقی در گروه مربوط می‌شود. سطح سوم با نهادها، فاکتورهای مدیریت تضاد و کشمکش، تصمیم‌گیری، حقوق بشر و محیط‌زیست (ساختارها، هنجارها و ارزش‌ها) تعریف می‌شود. عامل مدیریت تضاد و تصمیم‌گیری به‌عنوان حاکمیت نهادهای رسمی در جامعه در نظر گرفته شده است. حقوق بشر به میزان دسترسی و آزادی افراد در گروه یا جامعه می‌پردازد و در نهایت عامل محیط (ساختارها، هنجارها و ارزش‌ها) نهادهای رسمی و کنشگران در جامعه که وظیفه حفظ و نگاه‌داشت آن را به عهده دارند مربوط می‌شود. فونسکا^۲ (۲۰۱۸) معتقد است عواملی که در هر کدام از این سه سطح وجود دارد برای سنجش تأثیر و اندازه‌گیری انسجام می‌تواند کمک‌کننده باشد. این عوامل قابل‌گسترش و انعطاف‌پذیرند و تحقیقات آینده می‌تواند به تأثیر هر یک از این سطوح و ارتباط آن‌ها با یکدیگر بپردازد.

در ایران نیز نظریات چلبی در حوزه نظم (در دو سطح خرد و کلان)، ارتباط این سطوح با یکدیگر و ابعاد هر بخش و مشکلات مربوط به آن به‌صورت کامل راهنمای بسیار خوبی برای محققین است.^۳ نکته‌ای که در تحقیقات لازم است مورد توجه قرار بگیرد ارتباط سطوح مختلف با یکدیگر است و طبیعتاً روش‌های ترکیبی بهتر می‌تواند جنبه‌های مختلف مفهوم را مورد بازشناسی قرار دهد.

در نهایت اینکه در تحلیل‌های معاصر انسجام اجتماعی را به‌عنوان یک پدیده چندبعدی یا به‌عنوان یک سازه پنهان با شاخص‌های چندگانه تلقی می‌کنند (بلن و هویل^۴، ۱۹۹۰؛ درسکر^۵ و همکاران، ۱۹۸۵؛ پیپر^۶ و همکاران، ۱۹۸۳؛ ایوانز و ژارویس^۷، ۱۹۸۰).

1. Larsen
2. Fonseca

۳. تئوری نظم چلبی به طور مفصل در بخش مرور نظری شرح داده شد.

4. Bollen and Hoyle
5. Drescher
6. Piper
7. Evans and Jarvis

منابع

- آبراهام، جی. اچ. (۱۳۶۹). *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن پویان، جلد اول، تهران: انتشارات چاپخش.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). «هویت و قومیت در ایران»، در *مجموعه مقالات هویت در ایران*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۸). «خرده‌فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی»، *مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۲). «جهانی‌سازی و توسعه اجتماعی»، در *مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران*، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ترنر، جانانان، اچ؛ و ال. بیگلی. (۱۳۷۰). *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، جلد اول، تهران: چاپ فرهنگ.
- توکل، محمد، عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۳). «فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسأله فرار مغزها در ایران»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، شماره ۱، ۴۵-۷۵.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: نشر مرندیز.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). «وفاق اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳، دوره ۶، ۲۸-۱۵.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۸). «میزگرد همبستگی ملی و وفاق اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱، دوره ۱، ۴۴-۱۵.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: موسسه پژوهشی فرهنگ هنر و ارتباطات.
- چلبی، مسعود. (۱۳۹۰). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
- خانیک، هادی. (۱۳۸۳). «هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران»، در *مجموعه مقالات هویت در ایران*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ذاکرسالحی، غلامرضا، قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۹۴). «مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری»، *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۲، ۶۳-۲۹.
- رضوی آل‌هاشم، بهراد؛ کاظمی، علی و رضوی‌نژاد، بهروز. (۱۳۸۸). «هویت‌های قومی، انسجام اجتماعی، امنیت ملی»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶، ۲۳-۱۶.
- زندرضوی، سیامک؛ ضیایی، کیوان و رحمانی، مریم. (۱۳۸۸). «ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر دوستدار کودک در بم»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۳۳، ۸۱-۱۰۳.

- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). *دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: موسسه کیهان.
- ستاری، جلال. (۱۳۸۰). *هویت ملی و هویت فرهنگی*، تهران: نشر مرکز.
- عبدالهی، محمد. (۱۳۸۲). «مفهوم توسعه اجتماعی»، در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- عبدالهی، مجید؛ توکلی‌نیا، جمیله و صرافی، مظفر. (۱۳۸۹). «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، شماره ۷۲، ۱۰۲-۸۳.
- علی‌بابایی، یحیی، فیروزجائیان، علی‌اصغر. (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *فصلنامه دانش انتظامی*، شماره ۴، دوره ۱۱، ۵۸-۷.
- قاضی طباطبایی، محمود، و دادهیر، ابوعلی. (۱۳۸۹). *فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری*، تهران: جامعه‌شناسان.
- کچوییان، حسین. (۱۳۷۴). *تطورات گفتمان‌های هویتی ایران: ایرانی در کشاکش با تجدد و مابعد تجدد*، تهران: نشر نی.
- کرمانی، مهدی و دیگران. (۱۳۹۷). «فراتحلیل کیفی مقالات پژوهشی حوزه توانمندسازی زنان روستایی و شهری در ایران»، *مطالعات زنان*، شماره ۲، ۵۴-۳۳.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۳). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوهی، کمال. (۱۳۸۲). *سنجش میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستاییان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی روستاهای شهرستان ورزقان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). *راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات تیرازه.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). «شهر، خانواده و انحراف (بررسی آثار پاتولوژیکال شهرگرایی در شکل تمایل به وندالیسم در نوجوانان متعلق به خانواده‌های مهاجر شهری)»، همایش موازین توسعه فرهنگ و ضدفرهنگ شهر تهران، معاونت فرهنگی و هنری شهرداری.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰). «بیگانگی مفهوم سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲، دوره ۵، ۷۳-۲۵.
- مکنون، رضا، سلیمی، جلیل. (۱۳۹۷). «فراتحلیل کیفی پژوهش‌های علمی ناظر بر مسأله حکمرانی در ایران»، *مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران*، شماره ۱، دوره ۱۰، ۱۰-۳.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلان‌شهرها»، *مدرس علوم انسانی*، شماره ۴، ۱۳۳-۱۱۲.
- نوابخش، مهرداد، فیروزآبادی، آمنه. (۱۳۹۱). «انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۵، ۵۸-۳۳.

نوابخش، مهرداد؛ نظری، جواد و ایدری، نبی‌اله. (۱۳۸۸). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان، مطالعه موردی استان ایلام»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۷، ۲۰-۱.

- Berger, Schmitt R (2000). *Social cohesion as an aspect of the quality of societies: concept and measurement*, EU reporting working paper NO 14.
- Bollen, K.A. and R.H. Hoyle, (1990). "Perceived cohesion: A conceptual and empirical examination". *Soc. Forces*, 69, 479-504.
- Dewey, J., (1923). "The school as a means of developing a social consciousness and social ideals in children", In *Journal of Social Forces*, vol. 1(5), 513-517.
- Drescher, S., Burlingame, G. and Fuhriman, A. (1985). "Cohesion: An odyssey in empirical understanding". *Small Group Behavior*, 16(1), 3-30.
- Durkheim, E. (1897). *Le suicide: étude de sociologie*. New York, NY: F. Alcan.
- Evans, N. J. and Jarvis, P. A. (1980). "Group cohesion: A review and re-evaluation". *Small Group Behaviour*. 11, 359-370.
- Friedkin, Noah E. (2003). "Social Cohesion". *Annual Review of Sociology*, 30, 409-425.
- Fonseca, X., Lukosch, S., Brazier, F. (2018). "Social cohesion revisited: a new definition and how to characterize it", *The European Journal of social science research*, 32(25), 1-23.
- Homans, George C. (1958). "Social Behavior as Exchange". *American Journal of Sociology*, 63, 597-606.
- Ke, F. (2009). "A qualitative meta-analysis of computer games as learning tools". *Handbook of research on effective electronic gaming in education*, 1: 1-32.
- Larsen, Ch. A. (2013). *The Rise and Fall of Social Cohesion: The Construction and Deconstruction of Social Trust in the US, UK, Sweden and Denmark*. Oxford: OUP.
- Mekoa, Itumeleng, Busari, Dauda (2018). "Social cohesion: Its meaning and complexities", *Journal of social sciences*, Vol. 14, 107-115.
- Park, Y. A. and Gretzel, U. (2007). "Success factors for destination marketing web sites: A qualitative meta-analysis". *Journal of travel research*, 46(1), 46-63.
- Parsons, T. and Robert, B. (1995). *Family, socialization and Interaction process*, newyork, The free press.
- Peters, K. & et al. (2009). *Social interactions in urban parks: stimulating social cohesion?*, urban forestry & urban greening, wageningen university, The Netherlands.
- Piper, W., Marrache, M., Lacroix, R., Richardson, A. and Jones, B. (1983). "Cohesion as a basic bond in groups". *Human Relations*. 36, 93-108.
- Ritzer, G. (2011). *Sociological theory*, eighth edition newyork: megraw hill.
- Szetompka, P. (1999). *Truat: A sociological theory*. Cambridge: Cambridge university press.
- Wilkinson, M. E. (2008). *Destructive behavior amond adolescents: The role of social integration in academic institution*. Dissertation submitted to the graduate faculty of the Louisiana state university and agricultural and mechanical college in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy in the department of sociology.

Wolf, F. M. (1986). *Meta analysis sage universij, paper series on quantitative applications in the social science, 07-061*. New bury park, CA: sage.

پیوست منابع: لیست مقالات بررسی شده در فراتحلیل

مقالات به ترتیب تاریخ انتشار فهرست شده‌اند.

- باقری، معصومه و دیگران. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی شهری اهواز)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۳، ۶۲-۲۹.
- بیگدلو، مهدی. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه انسجام اجتماعی و توسعه انسانی پایدار در مناطق محروم (مورد مطالعه: شهرهای خاش، سراوان، سرباز استان سیستان و بلوچستان)»، فصلنامه توسعه اجتماعی، شماره ۳، ۲۳۴-۲۱۱.
- توحیدیان، یاسمن و دیگران. (۱۳۹۷). «بررسی عوامل تهدیدکننده همبستگی اجتماعی در سطح محلات»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۲۸، ۱۸۸-۱۶۵.
- خندق، نجله، کوثری، ابوذر. (۱۳۹۷). «تأثیر بومی‌گزینی در نظام آموزش عالی بر انسجام اجتماعی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳، ۸۴-۶۷.
- شاپوری، محمد و دیگران. (۱۳۹۷). «ارائه مدل انسجام اجتماعی و نقش آن در انسجام درون‌گروهی خانواده در جوامع در حال گذار به توسعه یافته، نمونه موردی: شهر تهران»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۳، ۶۷-۶۷.
- شکور، علی و دیگران. (۱۳۹۷). «نقش ساختار کالبدی شهرها بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در محلات شهری، مورد: قصردشت شیراز»، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳۳، ۹۶-۸۵.
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۹۷). «سنجش هویت جمعی ایرانیان با تأکید بر همبستگی اجتماعی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳، ۴۶-۲۳.
- خجسته‌نژاد، ندا و دیگران. (۱۳۹۶). «سنجش میزان همبستگی ملی در میان اقوام آذری و ترکمن»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۳، ۵۱۵-۴۹۵.
- سجادی، حمید، متقی، ابراهیم. (۱۳۹۶). «مدل‌سازی انسجام داینامیک در فرایند توسعه»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۲، ۲۲-۷.
- شمس‌الدینی، علی، رضایی، میثم. (۱۳۹۶). «نقش مراکز مذهبی در ایجاد همبستگی میان شهروندان با رویکرد سرمایه اجتماعی، مطالعه موردی: شهر فردوسیه»، مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱، ۸۸-۶۹.
- پارسامهر، مهربان و دیگران. (۱۳۹۵). «پژوهشی در باب کارکرد ورزش در انسجام اجتماعی، مطالعه موردی: مردم شهر تالش»، پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی، شماره ۲۳، ۲۵۰-۲۳۷.

- حسینی قمی، مژگان، رضایی، مریم. (۱۳۹۵). «پیوند بازار مسجد: انسجام اجتماعی در بازار تهران». پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۱۵، ۴۸-۱۹.
- رهبر، عباسعلی، زارع، ملیحه. (۱۳۹۵). «تحلیل تأثیر انسجام و وحدت اجتماعی و رابطه آن با تقویت امنیت ملی و کاهش جرم از دیدگاه شهروندان شیراز»، فصلنامه علوم خبری، شماره ۱۹، ۷۷-۹۹.
- زکی، محمدعلی. (۱۳۹۵). «انسجام اجتماعی، دانشجو و دانشگاه در ایران»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴، ۸۷-۵۴.
- غنیمتی، حسن. (۱۳۹۵). «الگوهای مدیریت تنوعات فرهنگی و مذهبی و رابطه آن با شورش و انسجام». فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۰، ۹۲-۶۳.
- حیدری ساریان، وکیل. (۱۳۹۴). «بررسی اثرات انسجام اجتماعی در مدیریت بحران زلزله از دیدگاه ساکنان محلی، مطالعه موردی: ازومدل شمالی، شهرستان ورزقان، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، شماره ۴، ۲۹۶-۲۸۶.
- دلفی، مریم، نواح، عبدالرضا. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر وفاق اجتماعی، مورد مطالعه خانوارهای شهری بوشهر». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۱۷، ۸۵-۱۰۶.
- رضادوست، کریم و دیگران. (۱۳۹۴). «عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر وفاق اجتماعی در شهر دهدشت». فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، ۱۲۶-۱۰۹.
- زارع، بیژن و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر میزان و انواع دینداری بر همبستگی اجتماعی»، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی ایران، شماره ۲، ۱۷۸-۱۴۳.
- فرهمند، مهناز و دیگران. (۱۳۹۴). «مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد، مورد مطالعه شهرهای سنندج و تبریز»، بررسی مسایل اجتماعی ایران، شماره ۱، ۱۲۲-۹۵.
- میرلطفی، محمودرضا و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی انسجام اجتماعی در حفظ امنیت مرزی با تأکید بر تنوع قومی-مذهبی، مطالعه موردی: شهرستان زابل، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۹، ۷۰-۵۷.
- نوعی باغبان، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر دینداری درونی و بیرونی بر انسجام ملی، مطالعه موردی: شهروندان شهر مشهد»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۴، ۱۸۳-۱۶۳.
- خوش‌فر، غلامرضا، مهدی‌زاده افروزی، صفیه. (۱۳۹۳). «مطالعه رابطه اعتماد و وفاق اجتماعی در میان افراد ۲۰ سال و بالاتر شهر گنبد کاووس»، شماره ۳، ۵۸-۴۳.
- زبیری، هدی، کریمی موعاری، زهرا. (۱۳۹۳). «اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی، مطالعه بین کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۴، ۶۲-۳۹.
- ساعی، علی، حیدری، مهدی. (۱۳۹۳). «مطالعه تأثیر کنش ارتباطی بر وفاق نهادی نخبگان سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه جامعه‌شناختی نهادهای اجتماعی، شماره ۵، ۷۶-۴۳.
- کریمی موعاری، زهرا و دیگران. (۱۳۹۳). «تحلیل فازی انسجام اجتماعی و رابطه آن با توسعه اقتصادی»، تحقیقات اقتصادی، شماره ۳، ۶۴۵-۶۲۱.

- محمدی، مهدی و دیگران. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی علی کیفیت محیط دانشگاه، انسجام تحصیلی و اجتماعی و فرسودگی تحصیلی دانشجویان، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۱۶، ۲۸-۱۱.
- میرزاخانی، عبدالرحمن، درویشی، صیاد. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، ۷۰-۵۹.
- امام جمعه‌زاده، جواد و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و انسجام اجتماعی، مطالعه موردی جوانان شهر تبریز»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، شماره ۴، ۳۱-۹.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود، اسکندری‌فرد، امیرمختار. (۱۳۹۲). «بررسی وفاق اجتماعی و برخی عوامل از عوامل مؤثر بر آن، مورد مطالعه شهر یزد»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۹، ۴۰-۱۷.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود، اسکندری‌فرد، امیرمختار. (۱۳۹۲). «رابطه اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی، مطالعه‌ای در شهر یزد»، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲، ۵۴-۳۷.
- غلامی، محمد، حیاتی، عقیل (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر هویت کالبدی بر انسجام اجتماعی، مطالعه موردی محله اوین شهر تهران»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۳۰، ۱۵۰-۱۳۱.
- قاسمی، پروین (۱۳۹۲). «روابط قومی تهدید یا فرصت برای انسجام اجتماعی شهرها؟ بررسی مکانیزم‌های مقاومت مردمی در برابر سیاست‌های شهری در محله اسلام آباد کرج، مجله انسان‌شناسی، شماره ۱۹، ۸۵-۱۱۷.
- قاسمی، روح‌ا... (۱۳۹۲). «چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، ۱۸۱-۱۶۵.
- متوسلی، محمود، زبیری، هدی. (۱۳۹۲). «انسجام اجتماعی، منشأ توسعه اقتصادی»، توسعه روستایی، شماره ۲، ۷۴-۴۹.
- مسعودنیا، حسین و دیگران. (۱۳۹۲). «جهانی‌شدن، اینترنت و انسجام ملی در ایران، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳، ۱۷۱-۱۴۹.
- نعمت‌اللهی، زهرا و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی) دانشجویان دانشگاه افسری امام علی»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۵۰، ۲۰۲-۱۷۵.
- نوابخش، مهرداد، جوانمرد، کمال. (۱۳۹۲). «بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد، مورد مطالعه کرمان»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۳، ۳۵-۱.
- حسینی، جواد و دیگران. (۱۳۹۱). «وفاق اجتماعی و اقلیت‌های قومی در ایران با تأکید بر ابعاد سیاسی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۵، ۱۵۶-۱۲۹.
- مینایی، حسین، زهدی، یعقوب. (۱۳۹۱). «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۹، ۱۱۲-۷۳.
- نوابخش، مهرداد، فیروزآبادی، آمنه. (۱۳۹۱). «انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، شماره ۵، ۵۸-۳۳.

- حیدری، غلامحسین. (۱۳۹۰). «همبستگی اجتماعی در نگاه اسلام»، پژوهش/اجتماعی، شماره ۱۳، ۱۱۷-۹۵.
- رفیعیان، مجتبی و دیگران. (۱۳۹۰). «بررسی معیارهای مکانی مؤثر در انسجام اجتماعی گروه‌های قومی شهر بندر ترکمن»، جغرافیا، شماره ۱۶، ۶۶-۵۲.
- نیازی، محسن. (۱۳۹۰). «تبیین رابطه سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴، ۵۰-۳۱.
- نقدی، اسداله، کمربگی، خلیل. (۱۳۸۹). «مطالعه وفاق اجتماعی عام در جوامع شهری، روستایی و عشایری ایلام، مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۲، ۱۶۲-۱۴۲.
- گل‌شیری اصفهانی، زهرا و دیگران. (۱۳۸۸). «تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان: مطالعه موردی بخش گندمان شهرستان بروجن»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱، ۱۶۷-۱۴۷.
- مقصودی، مجتبی، ارسیا، بابک. (۱۳۸۸). «جایگاه گردشگری در تعمیق همبستگی ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱، ۱۱۸-۹۹.
- نوابخش، مهرداد و دیگران. (۱۳۸۸). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان، مطالعه موردی استان ایلام»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۷، ۲۰-۱.
- یوسفی، علی و دیگران. (۱۳۸۸). «انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر مشهد»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، ۱۶۱-۱۳۸.
- عزیزخانی، اقباله. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری وفاق اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال»، مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره ۲، ۱۱۰-۹۴.
- ملکی، حمید. (۱۳۸۶). «همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی: مطالعه موردی استان گلستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱، ۱۴۸-۱۲۳.
- کلانتری، عبدالحسین، فرهادی، محمد (۱۳۸۵) «رادیو جماعتی و انسجام اجتماعی»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۶، ۱۳۳-۱۱۱.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۱). «عوامل مؤثر بر ایجاد فاصله نسل‌ها و دوری از وفاق اجتماعی، تحلیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، شماره ۳۰-۳۱، ۱۲۴-۱۰۹.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلان‌شهرها»، مدرس علوم انسانی، شماره ۴، ۱۳۳-۱۱۲.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۰). «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۶، ۲۰۵-۱۷۵.